

پالیمپسست «لایه‌نگاری»؛ ابزاری برای تبیین کیستی شهر تاریخی^۱

سیدمحسن حبیبی^۲

استاد دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

نگین صمدی کافی^۳

دریافت: ۱۰ مهر ۱۳۹۷
پذیرش: ۱۸ دی ۱۳۹۸
(صفحه ۹۰-۷۱)

کلیدواژگان: لایه‌نگاری، شهر لایه، تولید دانش فضایی، روح زمانه در فضا، خوانش لایه‌نگارانه شهر.

چکیده

شهر، کلان‌شهر، زمین، قلمرو، و حتی مقیاس‌های کوچک‌تر «ابنیه»، راه‌ها، میدان‌ها، محله‌ها، و... با سابقه تاریخی خود متأثر از پدیده زمان، لایه‌هایی از تاریخ را با خود حمل می‌کنند. لایه‌هایی از تاریخ با مقطع طولی یا عرضی از شهر که به واسطه آن می‌توان خطوط تصویری به‌جای‌مانده را بازخواند و آواهای خاموش و نشینده آن‌ها را شنید. بدیهی است که هر قدر میزان قدمت و سابقه تاریخی مکان بیشتر باشد، به همان نسبت انباشت لایه‌ها نیز افزایش خواهد یافت. می‌توان دوگانه‌هایی از شادکامی و غمگینی، زندگی و مرگ، فقر و ثروت، صمیمیت و خیانت، معصومیت و گناهکاری، و... را در فرازهای شاخص از هریک از این لایه‌های تاریخی بازشناخت. هر لایه‌ای شاهد گذر زمان است. هریک از لایه‌های تاریخ افشاکنده بخشی از قلمروهای واقعی در زمانه خاص و در طول زمان است.

زمانی که فضاها، «درهم‌آمخته، بازسازی، یا دوباره الگوسازی» می‌شوند، آثار لایه‌های قبلی همچنان باقی می‌مانند. به این سبب، مسیر پریپیچ‌وخمی در لایه‌های تاریخی هست که از طریق آن هر

متخصصی می‌تواند بنا بر دانش خود لایه‌ها را کاوش و بازخوانی کند، این اقدام از طریق «لایه‌نگاری» میسر خواهد شد و سبب نمایانی لایه‌های تاریخی می‌شود. با این تأکید که هر لایه‌ای قلمروی خاص خود را دارد و منتج از فرایندهای مختلف هم‌زمانی و در زمانی است. قلمروی امروزی، چون همیشه، متأثر از عوامل تاریخ زیست‌سرزمینی (فرهنگ)، اقلیم سرزمین (طبیعت)، و تحول فن و فناوری در زمان و در زمانه است که رد خود را بر پیکره، سیما، چهره، و نیمرخ قلمرو و مکان گذاشته‌اند. هدف از این پژوهش، شناساندن رویکرد لایه‌نگاری در تبیین و شناخت شهر است. روش پژوهش در مقاله حاضر کیفی و با تحلیل محتوایی برای تبیین روش لایه‌نگاری شهری است. مقاله مروری بر رویکرد لایه‌نگاری شهری است، روش‌ها و نتایج گویای آن است که این روش را می‌توان برای شناخت شهرهای کهن و حفظ تداوم تاریخی‌شان به کار بست.

مقدمه

در پژوهش حاضر سعی می‌شود با استفاده از انگاره، ایده، روش، و ابزار «پالیمپسست»، در حرکتی از گذشته تا به اکنون، «قدیم» به مثابه امری زنده برآورد گردد؛ و در این مهم از نگاه هجران‌زده یا ماتمزده

۱. این مقاله برگرفته از کتابی با موضوع «لایه‌نگاری» (در دست تدوین و ویرایش) اثر سیدمحسن حبیبی و نگین صمدی کافی است.

۲. نویسنده مسئول

smhabibi@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری شهرسازی، و پژوهشگر باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی
negin.samadikafi@gmail.com



پرسش‌های تحقیق

۱. انگاره، مفهوم، یا روش «لایه‌نگاری» چیست؟

۲. در لایه‌نگاری چه اهدافی در رشته شهرسازی دنبال می‌شود؟

۳. فواید لایه‌نگاری در عرصه «عمل و نظر» به منظور بازخوانی مسائل شهری چیست؟

۴. کاوش با انگاره یا مفهوم «لایه‌نگاری» در راستای «تولید دانش فضایی» چه امتیازهایی می‌تواند در عصر فعلی داشته باشد؟

۵. لایه‌نگاری برای گره‌گشایی کدامین چالش‌ها، مسئله‌ها، یا بحران‌هایی از شهر یا کلان‌شهرهای معاصر می‌تواند مؤثر باشد؟

پرهیز می‌شود. بالقوگی در گذشته است که قابلیت شَوندگی و تولید جدید را به منظور حل مسائل و چالش‌های شهری دارد، چالش‌هایی چون: بحران هویت، فراموشی فرهنگی، و ازهم‌گسیختگی و ناهم‌پیوندی انسان با شهر. امروزه از حافظه تاریخی آن‌گونه که باید بهره‌برداری نمی‌شود. درحالی‌که ارتباط یک جامعه یا ملت با گذشته امری ناگسستی است. مرز بین گذشته و اکنون قوی‌تر و پایدارتر از آن چیزی است که به نظر می‌رسد. گذشته‌های ناگفته و به دست فراموشی سپرده‌شده در شهر معاصر مسائلی را ایجاد کرده است که می‌توانند، با گسترش دانش‌های تاریخی، پاسخ‌هایی در خور بیابند.^۴

استفاده از پالیمپسست می‌تواند نقش مؤثری در بازپیمایش مکان‌های عطف، حسّاس، و راهبردی تاریخی داشته باشد؛ این مکان‌های تاریخی سرشار از فضاهای بالقوه‌ای هستند که می‌توانسته‌اند در طول سیر تاریخی خود توان تولید جدید را داشته باشند؛ اما این تولید محقق نشده است؛ بدین‌اعتبار پالیمپسست می‌تواند موارد نازیسته‌ای که می‌توانستند زیسته شوند، اما نشده‌اند، را بازشناسد.^۵

هدف از این کار فهم‌پذیری رشته‌ای از پدیده‌ها است که خویشاوندی آن‌ها از نگاه تحلیل‌گران و مورخان پنهان مانده است یا می‌تواند پنهان بماند.^۶ مکان‌های عطف می‌توانند خود را در قالب سازمان‌دهی فضایی نشان دهند، فضاهایی چون میدان، خیابان‌ها، و محله‌ها که همگی، با قدمت دیرینه، لایه‌های تاریخی متکثری دارند. سیروسایاحت در لایه‌های مکان نیاز به کاوش نشانگرهایی^۷ دارد که به مثابه اسناد امضاء شده‌ای بر پوست شهر حک شده‌اند. تاریخ شهرها از موجودیت آن‌ها جدا نیست. مطالعه تاریخ شهر را می‌توان از بازخوانی کالبدی فضایی آن آغاز کرد. کالبدی که آثار زمانه‌های گذشته در زمان را در خود انباشت کرده و اکنون متشکل از مجموعه‌های ساخته‌شده در ادوار گوناگون است. هر دوره‌ای در گذر زمان ردی از خود بر چهره شهر باقی می‌گذارد؛ همچنان‌که زمان تأثیر خود را بر چهره انسان در قالب چین‌وچروک‌ها حک می‌کند. روح‌های زمانه‌ها، که هر کدام متعلق به دوره‌ای از ادوار تاریخ شهر هستند، همگی زنده‌اند و نفس می‌کشند. آن‌ها عینی نیستند، ولی در لایه‌های زیرین لایه معاصر شهر آرمیده‌اند. این لایه‌ها با شفافیت‌های ضمنی و آشکار خود حضور دارند و هریک بیانگر خطوطی ناشی از گذر زمان بر پوست و چهره شهر و متعلق به دوره خاصی هستند که روح زمانه خود را تا هنوز حفظ کرده‌اند.^۸

4. A. Huyssen, *Present Pasts: Urban Palimpsests and the Politics of Memory*, p. 1; A. Bargalló, et al, "Puzzling out a palimpsest: Testing an Interdisciplinary Study in Level O of Abric Romaní", p. 52; L. Khirfan, "Traces on the Palimpsest: Heritage and the Urban Forms of Athens and Alexandria", p. 315.

۵. جورجو آگامبن، نشانگر همه چیزها، ص ۱۴۰.

۶ همان‌طور که به زعم کانت آرکای یک ابژه چیزهایی هستند که می‌توانستند یا می‌بایست معین و داده‌شده می‌بودند و شاید روزی هم بشوند؛ لیکن اکنون تنها در شکل پاره‌ها یا ویرانه‌ها وجود دارند. (همان، ص ۱۲۰-۱۲۱).

۷. Signatures: نشانگر، عملگر قاطع تمامی دانش است، آنچه جهان را که به خودی خود گنگ و بی‌دلیل است، فهمیدنی می‌کند نشانگرها نشانها را به سخن گفتن وامی‌دارند. (همان، ص ۶۴).

8. T. Richardson, "Assembling the Assemblage: Developing Schizocartography in Support of an Urban Semiology", p. 8.

شهر جهان چندنشانهای و چندمعنایی است. معناها و نشانه‌هایی که به صورت ضمنی و آشکار در انبوهی از نشانه‌ها و رمزهای چندتباری و چندگون جای گرفته‌اند: از رمزگان‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، و وراطبیعی گرفته تا ذوقی و زیباشناسی و طبیعی. از این منظر، جهان فرهنگ قلمروی عالم دلالت‌ها است، و به همان نسبت شواهد «لایه‌نگاری»^{۱۶} شواهد چندمعنایی^{۱۷} هستند.^{۱۸}

کاوش لایه‌های شهر و کشف شواهد، به لحاظ نشانه‌شناسی^{۱۹} و نمادشناسی^{۲۰}، می‌تواند بر سطوح متفاوت نشانه‌ها و معناها مفقود دلالت داشته باشد. دلالت‌هایی که در حوزه تجربه‌های کالبدی فضایی ناشی از نحوه نگرش به جهان هستی، چگونگی سُنن زیست و معیشت، هم‌سازی و هم‌آوایی با زیست‌بوم پیرامون و سطح فن و فناوری زمانه، ذوق و زیباشناسی مردمان هر زمانه‌ای را در پیکر واحد شهر نمایانده‌اند.

خوانش و تفسیر معناها دشواری‌های بسیاری بر سر راه دارد و با موانع بسیار رویاروست. بازخوانی این دلالت‌های لایه‌ای هم به اطلاعات و دانش‌های بسیار از دیدگاه‌های نشانه‌شناسی و مشرب‌های تفسیری و مطالعات نیاز دارد و هم به بهره‌گیری از قدرت تحلیل و استفاده از منطق و نقل از مناظر فلسفی تأویل متن. این کاوش و خوانش و معنایابی و معناشناسی و تفسیر معناها مفقود لایه‌های متفاوت عمدتاً به تبارشناسی نشانه‌ها و نمادهای شهری منجر می‌شود و دستگاه نشانه‌شناسی و نمادشناسی شهر را سازمان می‌دهد.^{۲۱}

هدف از این پژوهش شناساندن رویکرد لایه‌نگاری در تبیین و شناخت شهرهای تاریخی است و این مهم با پاسخ‌گویی به پنج پرسش محقق می‌شود: انگاره، مفهوم، یا روش «لایه‌نگاری» چیست؟ در لایه‌نگاری چه اهدافی در رشته شهرسازی دنبال می‌شود؟ فواید لایه‌نگاری در عرصه «عمل و نظر» به منظور بازخوانی مسائل شهری چیست؟ کاوش با انگاره یا مفهوم «لایه‌نگاری» در راستای «تولید دانش فضایی» چه

مطالعه اثر زمان بر شهر با خوانش آن ممکن می‌شود. شهر را باید هزاربار خواند تا بتوان زبان و کلام شهر را دریافت. شاید این هزاربار خوانش شهر را بتوان در لایه‌های هزاره‌ای، سده‌ای، و دهه‌ای آن جستجو کرد. لایه‌هایی که هریک در بردارنده آوای خاموش و به‌گوش‌نرسیده‌ای از دوره خاص خود هستند. آوایی که اینک در زیر لایه‌های برهم‌انباشته شهر امروز مدفون شده‌اند و گاه سعی در آشکارشدگی دارند. این واکاوی می‌تواند هریک از این لایه‌ها را شاخص و به کاوش هویت‌های گذشته برای بازخوانی هویت جدید کمک کند.^{۲۲}

شهر بسان قصه است. زمانی که به ابتدای کتاب قصه شهر رجوع می‌شود، تورقی سریع در ادوار متفاوت زندگی شهر، که هر ورقش معرف دوره‌ای از تاریخ است، بازگویی قصه را آسان و بود و باش شهر را قابل فهم و ادراک صحنه‌آرایی‌های گونه‌گون شهری را ممکن می‌کند.^{۲۳} با تورق تصاویر و اسنادی که در قالب نقشه‌نگاری‌های^{۲۴} مرتبط با زمانه خود تولید شده‌اند، گذر زمان و توسعه شهر قابل مشاهده است که متأثر از سبک‌ها و دانش زمانه خود هستند و به واسطه تجزیه و تحلیل آن‌ها می‌توان حکایتی از تولید و بازتولید فضا، مکان^{۲۵} — مکان‌سازی‌ها^{۲۶} و از نو مکان‌سازی‌ها^{۲۷} — را دریافت کرد. حکایتی آکنده از جنبه‌های عینی و ذهنی پدیده‌ها و رویدادهای متفاوت زندگی شهری از «انسان» گرفته تا «شهری» که در آن زندگی می‌کند، از چهره انسان و شهر (عینیت شهر)، از لایه‌های تودرتوی ضمیر ناخودآگاه آدمیان تا لایه‌های تودرتوی شهر و ... همگی لایه‌های باطنی شهر و روح زمانه جاری و ساری در شهر را می‌نمایانند، همان ذهنیت شهری که در پس تصویر کالبدی آن نهفته است.^{۲۸} برای فهمیدن تاریخ و ادراک آن کافی است نشانه‌ها و بازنمایی‌های روح زمانه خفته در کالبد و فضای شهر کاوش و تجزیه و تحلیل شود. باید شهر را «لایه‌لایه» دید؛ لایه‌های مختلف شهری متعلق به ادوار مختلف را استخراج و برای فهم امروزگی شهر، آن‌ها را تفسیر و تأویل کرد.

9. Ibid.

10. G. Debord, *Comments on the Society of the Spectacle (Vol. 18)*, p. 92.

11. mappings

۱۲. فضاهای بامعنا

13. placemakings

14. replacemakings

15. Powell, "Re Mapping the City: Palimpsest, Place, and Identity in Art Education Research", p. 8; K. Dovey & M. Ristic, "Mapping Urban Assemblages: the Production of Spatial Knowledge", pp. 15-17.

16. palimpsest

17. polysemous

۱۸. حکمت‌الله مآل‌صالحی، «سرگفتار باستان‌شناسی [۱]»، ص ۳-۴.

19. Semiology

20. Symbology

۲۱. همان، ص ۴-۵.

۲۲. Palimpsestuous: در طراحی شالوده ساختار شهری نگرش جالب توجهی وجود دارد. بدین شرح که هر پدیده‌ای چون مکان در مقیاس‌بندی‌های گسترده خود در شکلی انتزاعی به مثابه نقاط، خطوط، و سطوح، به‌ترتیب مانند میادین، خیابان‌ها، و محله‌ها در روابطی از لایه‌های تاریخی متعددی از گذشته خود در ارتباط هستند. کلیت این لایه‌ها خروجی‌ای تولید می‌کند که این خروجی پالیمپستوس نامیده می‌شود که حکایت از آثار متکثری از گذشته‌های تاریخی، به انضمام آخرین لایه یعنی وضع موجود می‌کند. پدیده‌ای چون مکان در روند متکثری از تولید و بازتولید در چرخه‌های زمانی خود به سر می‌برد. مسلماً چنین امری در محیط‌های تاریخی کاملاً مشهود و قابل‌کاوش (B. Tschumi, *Architecture and Disjunction*, pp. 191-192; R. Lee, "The Future Of (The Past)", p. 74).

23. web

24. Powell, *ibid*, pp. 6-7.

25. Khirfan, *ibid*.

۲۶. مآصل‌الحی، «سرگفتار باستان‌شناسی [۲]»، ص ۷.

۲۷. Archaeological: یعنی انقلاب در ریشه‌ها و بنیان‌های تفکر و دانایی (Arche, Logos) همان.

۲۸. همان.

امتیازی می‌تواند در عصر فعلی داشته باشد؟ لایه‌نگاری برای گره‌گشایی کدامین چالش‌ها، مسئله‌ها، یا بحران‌هایی از شهر یا کلان‌شهرهای معاصر می‌تواند مؤثر باشد؟

روش پژوهش در مقاله حاضر از نوع کیفی و با تحلیل محتوایی و مروری برای تبیین روش لایه‌نگاری شهر و خواص آن است و بر اساس پرسش‌های تحقیق صورت می‌پذیرد. در این روش با رسوخ در پالیمپستوس^{۲۲} مکان — به مثابه یک لوحه یا اثر هنری یا کلاژ زمانی یا برهم‌نهادی از دست‌نوشته‌های متکثر تاریخ بر سطح شهر — سعی می‌شود گفتمان‌های نهانی موجود ناشی از «توان» و «قدرت» میان عناصر و روابط بین آن‌ها در یک زمینه پُرسمانی کاوش شوند و سپس فهم‌پذیر گردند، و نهایتاً با این روش بازنمایی می‌شوند. انتظام دادن و مرتب کردن تصاویر و اسناد در هریک از لایه‌ها می‌تواند:

– رابطه زایشی اجزای لایه‌ها را بنمایاند.

– لایه‌ها را با یکدیگر پیوند دهد.

– تقاطع هم‌زمانی‌ها و ناهم‌زمانی‌ها، یگانگی، و چندگانگی را فهم‌پذیر کند.

– ارتباط هر پدیده را با پدیده‌های بی‌شمار دیگری تبیین کند.

– پدیده‌هایی که هرگز نمی‌توانند به صورت مجزا لحاظ شوند را در رشته پیوسته‌ای از ارتباط با سایر پدیده‌ها قرار دهد.

در ساختار این مقاله بر مواردی مانند (۱) ضرورت پرداختن به لایه‌نگاری، (۲) استعاره لایه‌نگاری، (۳) هویت، (۴) دیرینه‌شناسی، باستان‌شناسی، تاریخ، و لایه‌نگاری، (۵) لایه‌نگاری در شهرسازی، معماری، و منظر، (۶) تحلیلگر، پرسه‌زن، نشانه‌شناسی، و خوانش لایه‌نگارانه، و (۷) نهایتاً جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اشاره می‌شود.

۱. ضرورت پرداختن به لایه‌نگاری

شهر چونان صفحه پوستی کهنی است که بارها و بارها بر آن نگاشته شده، نوشته‌های قبلی، گاه کلی و گاه جزئی، پاک شده، و نوشته‌های جدید بر آن نگاشته شده است؛ ولی آثار خطوط

کهن در پس نوشته‌های جدید دیده می‌شوند. لایه‌هایی از دست‌نگاشته‌ها که بی‌وقفه تولید و بازتولید می‌شوند و هریک بیانگر ماجراهایی از عناصر و موضوع‌های چندگانه‌ای هستند که در چرخه طبیعی حیات شهر و در طی زمان و در هر زمانه‌ای به وسیله نیروهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، و اجتماعی حاکم، با زبان و بیانی دگرگونه، معماری و شهرسازی متفاوتی را عرضه می‌کنند. در شرح زندگی پدیده‌ای چون انسان، مکان، و... می‌توان ترکیب‌بندی‌هایی از تکثر تجارب و آثاری را کاوش کرد که به منزله دانشی متشکل از شبکه^{۲۳} روابطی هستند و به طور متداوم در لایه‌های متعددی بر روی هم نهاده شده‌اند و حضور دارند.^{۲۴}

در روزگاران نو پدیده نوواری (مدرنیته) در فرایند دائمی چرخه «تخریب و نوسازی شهری» ضرب‌آهنگ پاک کردن و از نو نگاشتن را سرعت بخشیده و به سبب همین سرعت بسیار، فرصت شکل‌یابی هویت خاص، همخوان و سازگار کردن هر دوره با دوره قبلی را از آن سلب کرده و در بسیاری از موارد حتی به لایه‌های هویتی کهن نیز آسیب جدی رسانده است. بحران هویت و فراموشی فرهنگی یکی از چالش‌هایی است که شهر امروز در مقیاس‌های مختلف خود با آن دست به گریبان است.^{۲۵} افزون‌براین، گاه، به دلیل مساعد و مطلوب نبودن همپوشانی‌های لایه‌های تاریخی پیشین و ناتوانی از ایجاد رابطه ذهنی، زنده و فعال با میراث مدنی و معنوی و نظام‌های ارزشی و اعتقادی ساری و جاری، بحران هویت تشدید می‌شود. انقطاع با سنت‌های فکری، که از سرچشمه‌های متعالی و سرمدی نشئت گرفته و در تاریخ جاری شده‌اند^{۲۶}، نیز در این بحران مؤثر افتاده‌اند. این بحران متأثر از نظام دانایی مدرن و یا به تعبیر فوکو انقلاب باستان‌شناسانه (آرکتولوژیک)^{۲۷} نیز هست که بشر دوران جدید در شرایط جاری و اکنون تاریخی با آن مواجه شده است.^{۲۸}

از این‌ره، باید به منظور معناکاوی و رمزگشایی‌های شهر، آن



امری است که برای خنثی‌سازی حقایق گذشته و خاطرات جمعی رخ می‌دهد. این به معنای نابودی آن‌ها نیست؛ بلکه حرکت و جریان آن‌ها ادامه دارد و این تداوم می‌تواند در قالب آنتی‌تز قدرت — یعنی مقاومت — تولید شود. قدرت خاطرات در تبدیل شدن آن‌ها نیست؛ بلکه در چیزی است که می‌خواهند به آن تبدیل شوند. خاطرات قدرت را به چالش می‌کشند؛ چون قدرت با تحریف در نظم زمانی در راستای سیاست‌های خود مداخلاتی را در حافظه انجام داده است و آن را در مسیر اهداف سیاسی خود جهت داده است.^{۳۶}

بدین‌اعتبار، شناخت هر پدیده و درک فرایند تاریخی و تحول آن به این دلیل اهمیت دارد که به مدد آن می‌توان به مسائل، تنگناها، و سوالات مطروحه در «وضع موجود» پدیده پاسخ گفت و به سخنی بهتر، عوامل «چرایی» وضع موجود را بازشناخت. شناخت تاریخی پدیده سنگ زیربنای شناخت وضع موجود است و درک درست از شرایط موجود تخمین دگرگونی‌های بعدی پدیده را ممکن می‌کند. هرگاه گذشته (سیر تحول تاریخی) پدیده در وضع موجود آن «مستقر» باشد، آینده (دگرگونی‌ها و تحولات بعدی پدیده) در وضع موجود آن «مستتر» است. «گذشته» موجود را تبیین می‌کند و «موجود» آینده را تخمین می‌زند.^{۳۷}

۲. استعاره لایه‌نگاری^{۳۸}

لایه‌نگاری واژه‌ای است که در این مقاله در برگردان واژه «پالیمپست» استفاده شده است. لایه‌نگاری در لغت از واژه لاتین «پالیمپستوس»^{۳۹} می‌آید که برگرفته از کلمه یونانی «پالیمپستس»^{۴۰} به معنی «خراشیدگی نرم دوباره»^{۴۱} است. استفاده از مفهوم استعاری آن در قرن هیجدهم افزوده شد.^{۴۲} این استعاره امروزه نوعی ساختار لایه‌ای پدیده را در ذهن تداعی می‌کند.^{۴۳} در روم باستان از پوست حیوانات برای نوشتن استفاده می‌کردند. پالیمپست یعنی دست‌نوشته‌ای با قابلیت مصرفی مکرر که بر روی پوست یا لوح پاک‌شده از دست‌نوشته‌های

را و جب‌به‌وجب، لایه‌به‌لایه و دوره‌به‌دوره، به گونه لایه‌نگارانه و باستان‌شناسانه کاوید^{۳۹} تا بتوان به چرایی شکل‌یابی شهر معاصر و مشکلات و مسائل و بحران هویت امروز آن پی برد. امری که نیازمند کاوش و لایه‌برداری‌های دقیق‌تر برای آشکارسازی خطرات و تهدیدها و نهایتاً برطرف کردن آن‌ها است.^{۴۰}

به سخن دیگر، شناخت هویت‌های از دست رفته در این لایه‌نگاری‌ها میسر می‌شود و می‌توان به شواهد و میراثی دست یافت که بر صحنه تاریخ و روان و رفتار و وجدان و فرهنگ جامعه قرار یافته‌اند؛ گو اینکه ممکن است حضوری فعال و یا دست‌کم مستقیم نداشته باشند. از این‌رو کشف، بازپردازی، سامان‌دهی، معرفی، بازسازی، احیای مفهومی، تبیین باستان‌شناسانه، و خوانش لایه‌نگارانه آن‌ها برای خوانش شهر امروز ضروری است.^{۴۱} واژه «لایه‌نگاری» در نظریه‌های ادبی، معماری، جغرافیا، و مطالعات رسانه‌ای و فناوری استفاده شده است؛ با تفحص در تحقیقات اخیر می‌توان شواهدی از توانایی استعاری و امکان کاربست‌های این واژه را در حیطه پارادایم‌های «نقدانه»^{۴۲} و «پساساختارگرایانه»^{۴۳} ملاحظه کرد.^{۴۴}

شرایط جاری تاریخ و کاربست فقط و فقط یک خوانش از نوآوری برای قلمروهای فرهنگی بس متفاوت نشان می‌دهد که «نگاه بیرونی، ابزاری، سوداگرانه، باستان‌اندیش، موزه‌ای، و تاریخ‌محور به پیشینه تاریخی و سابقه مدنی و معنوی ملت‌ها» بر «دیدمان‌ها و گفتمان‌ها و مشاهدات و مکاشفات فرهنگی و تجربه‌های قلمروی» و یا به‌اصطلاح روز «فرا تاریخی» همچنان دارای سروری و چیرگی است.^{۴۵}

خاطرات و حافظه فرهنگی در بردارنده تکراری از زمان‌ها، حوادث، و رخدادها هستند. آن‌ها نه به مثابه یک روایت خطی، بلکه به مثابه یک پالیمپست و کلاژی از حوادث و رخدادهای متعددی هستند که همگی در کنار یکدیگر تجمع یافته‌اند. آن‌ها زنده، چندگانه، بی‌نظیر، و پیوسته در جریانند؛ باین‌حال، استفاده‌های سیاسی در راستای اهداف و مقاصد ایدئولوژیک،

۲۹. همان، ص ۵.
30. Lee, *ibid*, p. 73; Bargalló, et al, *ibid*, pp. 52-55.

۳۱. همان، ص ۸.
۳۲. *Critical*: تاریخ انتقادی، نقش درمانی را دارد که هدف آن بازجست ناخودآگاه است که چنان تاریخ «پس‌گرفته» فهمیده شده است (آگامبن، همان، ص ۱۳۵).

33. post structuralism
34. I. Mitin, "Constructing Urban Cultural Landscapes & Living in the Palimpsests", p. 1.

۳۵. همان، ص ۱۰.
36. <https://www.memorystudiesassociation.org/cfp-recognition-reparation-reconciliation/>; M. Delgado, *Lo Común y lo Colectivo. El Espacio Público Como Espacio de y para la Comunicación*, p. 1; A. Karababa, "An Urban Reading in-between Past and Future: Palimpsest Identity", pp. 52-55.

۳۷. سید محسن حبیبی، *از شار تا شهر*، ص ۲.

38. metaphor of palimpsest

39. palimpsestus

40. palimpsestos

41. scraped again

42. O. Wilde, *The Artist as Critic: Critical Writings of Oscar Wilde*, p. 256.

43. Lee, *ibid*.

پیشین نوشته شده است؛ درحالی که سایه دست‌نوشته‌های قبلی در نگارش جدید دیده می‌شود. در اصل در این صفحه‌ها چیزی تحت عنوان جمله یا نوشته مستقل وجود نداشته و لایه‌هایی از نوشته‌های پیشین بر صفحه‌ها ردی از خود باقی می‌گذاشته است. با توجه به ریشه‌یابی یونانی، این اصطلاح به معنی «ساییده شدن نرم دوباره»^{۴۴} است که به مواردی چون «پاپیروس»^{۴۵} و «کاغذهای پوستی»^{۴۶} اشاره می‌کند.^{۴۷} یک نسخه خطی نوشته شده بر روی کاغذی است که قبلاً استفاده شده است و به منظور حذف نوشته قبلی ساییده شده است و می‌تواند قابلیت استفاده مجدد را داشته باشد. این واژه به معنی پروژه‌ای است که تخریب ساختمان پیشین به گونه‌ای انجام می‌شود که همچنان تاریخچه آن را حفظ می‌کند. این مفهوم عمدتاً در ادبیات و روان‌شناسی به منظور توصیف تصویر شیخ (روح) از آنچه زمانی وجود داشته است، استفاده می‌شود.^{۴۸} این اصطلاح در مطالعه شهرها، معماری، و چشم‌انداز (منظر شهری) استفاده می‌شود.^{۴۹}

لایه‌نگاری می‌تواند به مثابه ابزاری در تبیین نکات مکتوم، نهانی، و نازیبسته پدیده‌ها، از جمله مکان در شهر، استفاده شود. د کویسی، نویسنده و منتقد فرانسوی قرن نوزدهم، در مقاله‌ای با عنوان «لایه‌نگاری» برای اولین بار در روزگار مدرن، استعاره لایه‌نگاری را به کار برد و با الهام از کاغذهای چندبار نوشته‌شده رومیان از لایه‌های متعدد پدیده‌ها نوشت:

مغز انسان چیست؟ آیا چیزی جز لایه‌نگاری انگاره‌های طبیعی است؟ مغز من شامل چنین لایه‌نگاری است و مغز تو نیز چنین است. در ذهن ما لایه ایده‌ها، تصاویر و احساسات به سبکی نو بر روی یکدیگر جاودانه شده قرار می‌گیرند. هر بخش گذشته خویش را می‌خراشد. با این حال هیچ‌کدام به طور کامل نابود نمی‌شوند. ذهن انسان با گونه‌ای از ساختار لایه‌ای تصاویر، احساسات و ایده‌ها را روی هم نکه می‌دارد و نتیجتاً حافظه بلندمدت را می‌سازد.^{۵۰}

در استفاده‌های نخستین از واژه «لایه‌نگاری» اشاره به خوانش و انتشار نسخ باستانی است که در آن دانشمندان سعی در کاوش، آزمون، بررسی، و هماهنگی لایه‌های متون بازنویسی شده داشتند. در طول دوره قرون وسطای اروپای غربی، زدودن متن با هدف بازیافت کاغذ، به منظور قابل استفاده کردن برای متون جدیدتر، یک عمل عادی محسوب می‌شد. با این حال یک ترکیب شیمیایی، بین فرایند زدودن و اکسیژن‌دهی، منجر به ظهور دوباره متن اولیه شد.^{۵۱} فراتر از زمینه علمی خاص خوانش نسخ خطی، استفاده استعاری از واژه «لایه‌نگاری» در اثر د کویسی (۱۸۴۵) قابل مشاهده است. او ساختارهای سطحی متون لایه‌ای را به صورت پیچیده و تودرتو تعریف می‌کند که در آن پیش‌نویس‌ها، زبان‌ها، افکار گذشته در میان بازنویسی‌های جدید آشکار می‌شوند. او واژه تودرتو^{۵۲} را به مثابه روشی تعریف می‌کند که در آن عمیق‌ترین افکار و احساسات ما از طریق ترکیب‌هایی از اشیای انضمامی درهم و پیچیده به ما منتقل می‌شوند.^{۵۳}

این مکتب فکری غالب هر زمانه است که مشخص می‌کند چه چیزی از گذشته تأیید شود یا نشود،^{۵۴} تصمیم‌هایی بر حذف و ناپدید شدن عنصر از عناصر ملموس و ناملموس شهر، که نه به تاریخ بلکه بستگی به سیاست و ایدئولوژی زمانه دارد، می‌گیرد.^{۵۵} بنابراین به تناسب فرهنگ هر جامعه‌ای در یک عصر، می‌توان گفت که ممکن است جامعه‌ای، روایت مشترک ریشه‌دار در خاطر جمع‌ای را در آغوش بگیرد و نسل دیگری همان روایت را انکار کند یا ابعادی از آن روایت را نادیده بگیرد. به بیان دیگر، به باور پیتر گیل^{۵۶} «تاریخ همواره بحث بی‌پایانی است»^{۵۷}. به این سبب می‌توان حکایات، حقایق، و روایاتی را کاوش کرد که همچنان کاوش نشده باقی مانده‌اند،^{۵۸} لایه‌نگاری ابزاری برای چنین کاوشی است. بیش از اهمیت احترام به گذشته زیسته شده، امر حفاظت از آن نقش بسزایی در نیازهای اساسی بشریت دارد. به زعم ناتان سیلور:^{۵۹} «این تنها "مکان" نیست که طنین‌انداز

44. rubbed smooth again
45. papyruses
46. parchments
47. A. Busà, "Palimpseststadt- City of Layers", p. 26.
48. *ibid*, p. 28.
49. L.M. Boukharaeva & M. Marloie, "The Palimpsest of Urban Gardening in Russia", p. 26; J.A. Kroessler, *The City as Palimpsest*, p. 1; Wilde, *ibid*.
50. S. Dillon, "Reinscribing De Quincey's Palimpsest: The Significance of the Palimpsest in Contemporary Literary and Cultural Studies", p. 244; Powell, *ibid*, p. 7; T. De Quincey, "The Palimpsest", p. 104.
51. Lee, *ibid*, p. 239; Dillon, *ibid*.
52. involute
53. Lee, *ibid*, p. 55.
54. Kroessler, *ibid*, p. 7.
55. Kroessler, *ibid*, p. 8; K.M. Overbye & J.F. Barrett, "Antibiotics: Where Did We Go Wrong?", p. 46.
56. Pieter Geyl
57. Kroessler, *ibid*, p. 7.
58. *Ibid*.
59. N. Silver, *Lost New York*, pp. 1 & 7.

عرصه‌های عینی و ذهنی شهر تبیین کرد.^{۷۰}

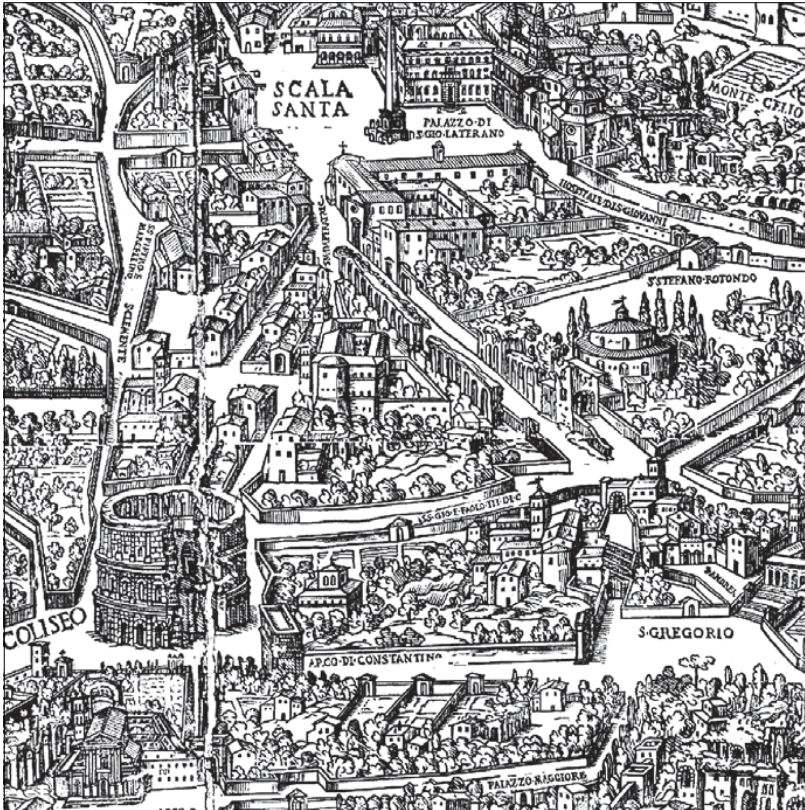
بارتو لینی نیز، مشابه نظر د کوینسی، لایه‌های ذهنی انسان را به کاغذهای پالیمپستوس تشبیه می‌کند،^{۷۱} فروید استعاره لایه‌نگاری را برای ناخودآگاه انسان در نظر می‌گیرد. او در کتاب *تمدن و ملالت‌های آن*^{۷۲} در مثالی از ساختار لایه‌های شهرهای روم باستان یاد می‌کند (تصویر ۱) و پیرامون پدیده لایه‌نگاری سخن می‌گوید. به باور او لایه‌های زیرین امکان آشکارسازی دوباره را دارند. با بسط اندیشه‌های فروید در پدیده‌ای چون شهر، می‌توان گفت آثار عینی و ذهنی شهرهایی که در گذر زمان تولید می‌شوند ممکن است به مرور زمان کمرنگ شوند، گاهی

است؛ بلکه "زمان" نیز دارای چنین ویژگی‌ای است.^{۷۰}

بافت شهر مانند یک «بوم نقاشی» عاری از هیچ‌گونه اثری نیست؛ بلکه به مثابه تولید پالیمپستوس‌سوی حاوی اثرات هر زمانه در هاله‌هایی با رنگ‌بندی‌ها و درجات متفاوتی از شفافیت است که اینک پذیرای طرح‌ها و نقش‌ونگارهای جدید است و توسط عوامل طبیعی و مصنوع، حاکمان و مردمان، و سطح دانش و فناوری زمانه از نو رنگ‌آمیزی و ترسیم می‌گردد. از آنجا که شهر پدیده‌ای پیچیده و تودرتو و پُر از ابهام و شگفتی‌ها است،^{۶۱} پیچیدگی‌های شهر در مجموعه‌ای از مجموعه‌ها با چالش‌های عمیق در همه سطوح همراه است که با حرکت ریزومیک^{۶۲} (ساقه‌وار و همه‌سویه) و تدریجی خود در اعماق بافت شهر نفوذ می‌کنند. این پیچیدگی‌ها متأثر از عوامل مختلف برگرفته از جاه‌طلبی‌های فردی یا حکومتی، ایدئولوژیک، یا فرهنگی هستند و مؤید رد پای «توان»^{۶۳} و «قدرت»^{۶۴} حک شده زمانه بر ساخت و بافت شهر هستند. نیروهایی که در گذر زمان به لایه‌های تودرتوی تاریخی شهر هویت‌های گوناگونی را بخشیده، می‌بخشند، و خواهند بخشید. همچنان که فوکو تاریخ را متشکل از بازی خشونت‌آمیز و مکرری از روابط سلطه و نیروها، زیرساخت‌ها، جابه‌جایی‌ها، و فتوحات پنهانی و سیستماتیک می‌داند.^{۶۵}

استعاره لایه‌نگاری برای بازنویسی و خوانش گفتمان‌های پنهانی و پنهانی ناشی از ساختارهای توان و قدرت کاربست یافته است؛ همان‌گونه که برای آزمون مجدد دانش‌های ذهنی آدمی نیز به کار گرفته می‌شود که یادآور مفاهیمی چون «برخورداری از طیف زمانی، تداوم حیات»^{۶۶} است. همان‌طور که در حوزه «روان‌شناسی»^{۶۷} در مبحث «فراموشی»^{۶۸}، صحبت از نبود پاک‌شدگی می‌شود و تأکید بر این است که شاید چیزی تخریب شده باشد، اما هرگز به طور کامل پاک نشده است و تداوم اثر آن همچنان پابرجاست و قابلیت کاوش دارد.^{۶۹} چنین امری را می‌توان در حرکتی از لایه‌های تودرتوی گذشته تا اکنون، در

ت ۱. نقشه تاریخی روم در سال ۱۶۲۵ که فروید به مثابه لایه‌نگاری مطرح می‌کند. مأخذ: Freud, *Civilization and its Discontents*, p. 17; Lee, "The Future Of The Past", p. 11.





تخریب شوند؛ اما دوباره از نو بازنویسی می‌شوند و با اثر و ردّ خود بر چهره شهر تأثیر می‌گذارند و نهایتاً ساختاری به صورت «شهر- لایه»^{۶۰} را تولید می‌کنند. مطالعه «شهر- لایه» شاید اولین قدم برای این غبارروبی باشد. خوانش و بازخوانی ردّی که توسط «زمان» بر شهر حک شده است و این همان جادوی لایه‌نگاری شهرها است.^{۶۱}

به زعم بیلی یک لایه‌نگاری واقعی لایه‌نگاری‌ای است که نوشته‌های پیشین به طور کامل پاک شده باشند و ردّی از گذشته بر آن نمانده باشد.^{۶۲} غبارروبی یا لایه‌برداری نهایتاً به بستری منتهی می‌گردد که در آن نه چیزی می‌روید و نه چیزی یافت می‌شود. عمق قدمت و میزان زمان سپری شده را می‌توان به تناسب ضخامت لایه‌برداری انجام‌شده تخمین زد.^{۶۳}

فریود ناخودآگاه انسان‌ها را به شهر- لایه تشبیه می‌کند. فرض کنید که روم مکان زندگی آدم‌ها نیست؛ بلکه یک منطقه ذهنی است که هیچ چیزی در آن به یک‌باره ایجاد نمی‌شود که به یک‌باره نیز ناپدید شود؛ بلکه هر چیزی که به‌وجود می‌آید در تداومی از لایه‌های تأثیرگذار بر یکدیگر به سر می‌برند و این روند ادامه دارد تا هم‌اکنون.^{۶۴}

فریود سپس نتیجه می‌گیرد که «ناخودآگاه انسان»، همچون «شهر»، دربردارنده لایه‌های متعددی است؛ این لایه‌های وجودی با ویژگی خاص روی همدیگر ذخیره می‌شوند و لایه‌های اخیرتر (رویی) تجربه بیشتری را در دل خود دارند؛ چون آثار اندک از گذشته‌های دیگر را بیان می‌دارند. تفاوتی که لایه‌نگاری شهر به مثابه مفهوم استعاری با ناخودآگاه ذهنی انسان دارد را می‌توان در قابلیت شهر در بازنمایی شواهد ملموس و ناملموس خاطرات و تجربیات تبیین کرد.

فریود معتقد است که لایه‌ها در ناخودآگاه می‌توانند مخفی شوند، اما هرگز پاک نمی‌شوند. در مقایسه دیدگاه د کویسی که ذهن انسان را به لایه‌نگاری تشبیه می‌کند، نظر فریود می‌تواند این واقعیت را عیان کند که امکانات این انگاره، ایده، مفهوم، یا

کانسپت به اندازه‌ای است که قابلیت ورود به زمینه‌های گوناگون را دارد و می‌تواند به منزله شالوده یا زیرساخت نگرش کلی یا فلسفه اصلی موضوع به کار گرفته شود. تشبیه فریود از روم، بیان ارتباطی دوگانه و گفت‌وگومحور میان خطوط و اثراتی به‌جامانده از گذشته است. این آثار و ردّی که بر چهره شهر باقی مانده است، می‌تواند آشکار یا ضمنی باشد؛ اما مهم این است که این خطوط و آثار (لایه‌ها)، همچون تارهایی مرئی یا نامرئی در رابطه‌ای کامل و گاه پیچیده دور شهر پیله می‌بندد و شهر را در گذشته، حال، و آینده تعریف می‌کند.^{۶۵} «شهر- زمان»، شاید واژه‌ای باشد که به‌خوبی شهر را در مرور زمان به تصویر می‌کشد. مختصات گذشته، حال، و آینده شهر را در چارچوب خود بازتعریف می‌کند و ما با شهری چندبعدی مواجه می‌شویم که در بُعد زمان هویت می‌گیرد.^{۶۶} د کویسی اولین کسی نبود که مفهوم لایه‌نگاری را مطرح کرد؛ اما مسلماً از جمله چهره‌های مؤثر در پردازش و پرورش این انگاره بود. این استعاره در رشته‌های گوناگون نظیر «باستان‌شناسی، معماری، شهرسازی» به کار رفته است.^{۶۷}

۳. هویت

هویت فضای شهری دارای ساختار پالیمپستی است. «هویت پالیمپست»^{۶۸} به مفهوم «تبدیل شدن»^{۶۹} اشاره می‌کند. پالیمپست با خوانش شهر در حد فاصل بین گذشته و آینده نقش مؤثری را در درک مکان و جابه‌جایی آن از گذشته بالفعل به سوی آینده‌ای سرشار از امر نهفته فراهم می‌کند و می‌تواند نقش مؤثری را برای ارتقای آن با حل مسائل، مشکلات، و معضلات جاری ایفا کند. هویت پالیمپست در حد فاصل روابط میان «هیچ» و «هنوز» قرار دارد.^{۷۰} هویت پالیمپست شهر را چون یک تصویر توخالی محدود نمی‌کند؛ بلکه می‌تواند امکان سیاحت ذهنی افراد را در همه گذرهای زمانی شهر در حد فاصل بین گذشته و حال فراهم کند و درعین حال می‌تواند آینده شهر را نیز تولید کند. به بیان دیگر، به جای اشاره بر تفکیک زمان‌های

60. Kroessler, *ibid*, p.11.
 61. B. Aska, "The Urban Palimpsest: the Interplay between the Historically Generated Layers in Urban Spatial System and Urban Life", pp. 12-13.
 62. Rhizome
 Power, Puisseance, ۶۳
 Potenza, Potentia
 قدرت
 برساخته، نهادینه و از پیش موجود است (دلوز، ژیل. اسپینوزا، نیچه، هیوم، برگسون، فوکو، بکت، اسکیزوکاوی، لاینتیس، فلسطین، قطعات، و یک زندگی...، ص ۱۵).
 ۶۴ Power, Pouvoir, Potere, ۶۴
 Potetas
 قدرت برساننده، مرکز زوده، غیرنهادینه است (همان).
 65. M. Foucault, *Nietzsche, Genealogy, History*, p.152.
 66. living on
 67. su rature
 68. under- erasure
 69. Dillon, *ibid*; Powell, *ibid*, p. 8.
 70. Powell, *ibid*, p. 7.
 ۷۱. نک:
 N. Bartolini, "Critical Urban Heritage: From Palimpsest to Brecciation".
 72. S. Freud, *Civilization and its Discontents*.
 73. layered city
 74. *Ibid*, p. 17; Lee, *ibid*, p. 57.
 75. G. Bailey, "Time Perspectives, Palimpsests and the Archaeology of Time", pp. 222-223.

شهر در هر زمانه‌ای از زمان بازساخت.

۲) لایه‌های ذهنی ساکنان شهر را کاوید و تغییر شکل شهر و خراش‌هایی که در مرور زمان بر شهر باقی مانده است، از لایه‌لای اذهان فعال یا خموش آنان بیرون کشید. در این حالت، هویت شهری از انباشت نسلی خاطره‌ها استخراج می‌شود و دگرگونی و دگردیسی یادها بر دگرگونی و دگردیسی یادبودهای شهری مؤثر می‌افتند، آن‌ها را تعریف می‌کنند، و به وسیله آن‌ها تعریف می‌شوند.^{۸۷}

به بیان دیگر، نه تنها «یاد» بلکه «فراموشی» نیز با درک و اکنون هم‌زمان است. ما در حین درک چیزی، هم‌زمان هم آن را به یاد می‌سپاریم و هم فراموش می‌کنیم. هر شخصی حاوی یک بخش از تجربه نازیبسته است. این بدان معنا است که بیش از هر چیز این تجربه نشده است و درعین حال نه فقط تجربه شده، بلکه به بافت شخصیت روانی و سنت تاریخی شکل و نسج می‌دهد و تداوم و انسجام آن‌ها را تضمین می‌کند.^{۸۸}

۴. دیرینه‌شناسی، باستان‌شناسی، تاریخ و لایه‌نگاری

به باور جورج اورول^{۸۹} «همه تاریخ بسیار دقیق است؛ وظیفه ما این است که آن را بازنویسی کنیم».^{۹۰} در صورت بی‌توجهی به جنبه‌های تاریخی ملموس و ناملموس تاریخی شهر، نتیجه‌ای جز عقیم‌سازی شهر نخواهیم داشت^{۹۱} و یک ملت قربانی فراموشی تاریخی و فرهنگی می‌شود. بدین ترتیب که خاطرات، هر آنچه بوده و هست، به دست فراموشی سپرده می‌شود و در نتیجه، حس آنچه را که هست یا می‌خواهد باشد نیز معنایی نخواهد داشت.^{۹۲} «حفاظت پالیمپستی»^{۹۳} ضرورت تداوم حیات همه لایه‌های متکثر شکل شهری که سرشار از لایه‌های معنا هستند را پیشنهاد می‌دهد. چنین نگرشی، تاریخ «شهر» را به مثابه «مکان» زنده نگه می‌دارد. ایجاد گفت‌وگو میان گذشته و حال نقش مؤثری در ارتقای حس هویت‌مندی شهروندان نسبت به شهر دارد.^{۹۴}

سه گانه گذشته، حال، و آینده، باید به زمان فعلی، به شهر مطابق با نگرش تاریخی آن در کنار نگرش شهودی و تأکید بر آینده توجه کرد. هویت پالیمپست می‌تواند رابطه خاصی را در شکاف زمانی گذشته و آینده ایجاد کند. آن‌ها به طور متداوم در تبدیل شدن به یکدیگر به سر می‌برند. معانی مرتبط با فرایندهای متداوم تخریب و بازسازی مناطق شهری شامل فرایندهای فرهنگی و اجتماعی، هم‌چنین فرایندهای اقتصادی و سیاسی هستند. مفهوم هویت نه تنها به واسطه فضا تعریف می‌شود، بلکه از طریق شبکه چندلایه و پیچیده نیز تفسیر می‌گردد. ادراک هویت در طول فرایند تاریخی مکان متغیر است و این تغییر ناشی از روابط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و قدرت است.^{۸۴} هویت شهر را از دو زاویه می‌توان بررسی کرد:

۱) می‌توان هویت شهر را از شناختن آن آغاز کرد و برای «شهر» نقش اول را در نظر گرفت،
۲) می‌توان از نگاه یک «روان‌شناس جغرافیا»^{۸۵} شهر را دید و نقش اول را به «آدمی» واگذاشت.

روابط «شهر و شهروند» در فرایند دوسویه «تأثیرگذار و تأثیرپذیر از یکدیگر» به سر می‌برند. شهر از انسان شروع می‌کند و لاجرم قصه از مردم آغاز می‌شود. هر کدام از ساکنان شهر یک ساختار لایه‌ای در ذهن دارند که هویت شهر متأثر از لایه‌های ذهنی تک‌تک آن‌ها است. انسان درعین حال که به شهر — به مثابه مکان در مقیاس بزرگ — هویت می‌دهد، می‌تواند هویت شهر را نیز درک کند و این در همان حالی است که شهر نیز به ساکنانش هویت می‌دهد.^{۸۶} مبحث لایه‌نگاری شهری را می‌توان با استفاده از هر دو نگرش فوق بررسی کرد:

۱) به کالبد شهر پرداخت و لایه‌های شهری را یک‌ازیک بازساخت، برهم‌افتادگی آن‌ها را دید و خطوط زیرین را از خطوط زیرین بازساخت و هویت شهر را در هزارتوی لایه‌ها کاوش کرد و نقش آدمیان را در حک کردن هویت خود بر چهره

76. Lee, *ibid*, p. 59.

77. Freud, *ibid*; Lee, *ibid*.

۷۸. زیگموند فروید، *تمدن و ملالت‌های آن*، ص ۳۲.

79. Lee, *ibid*, p. 68.

80. Lee, *ibid*, p. 238.

81. palimpsest identity

82. becoming

83. G. Agamben, *The Signature of all Things: On method*, pp. 39-41.

84. Karababa, *ibid*, p. 52.

85. psychogeographer

86. Debord, *ibid*.

87. W. Shakespeare, *Coriolanus* (Vol. 29); C.

Löffler, "Experiencing the City: Urban Space in Literature", pp. 21 & 47.

۸۸. آگامبن، همان، ص ۱۴۰.

۸۹. نک:

G. Orwell, *Nineteen Eighty-four*.

90. Wilde, *ibid*.

91. Kroessler, *ibid*, p. 4.

۹۲. نک:

A. Rains & L.G. Henderson, *With Heritage so Rich*.

93. palimpsest preservation



به باور فوکو، هر رویه تاریخی اصیل حاوی یک ناهمگنی ذاتی، یک گسست ساختاری بین «بن‌مایه» ای است که می‌پژوهد و سرمنشأ واقعی آن است.^{۹۵}

به زعم دیلون^{۹۶} مفهوم تبارشناسی^{۹۷} میشل فوکو، گونه‌ای از خوانش لایه‌نگارانه^{۹۸} است که علاوه بر تمرکز بر ادراک متنی، بر روابط بین متون نیز توجه دارد.^{۹۹} او بر خوانش لایه‌نگارانه تأکید می‌کند و لایه‌نگاری را پدیده پیچیده‌ای می‌داند که در آن متون متفاوتی دخیل هستند و به صورت درهم‌پیچیده، درهم‌آمیخته، و درهم‌شکسته در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و در تعامل به سر می‌برند.^{۱۰۰}

دیرینه‌شناسی مستلزم یک پس‌روی «دیونوسی»^{۱۰۱} است.^{۱۰۲} با نگاهی دوخته‌شده به گذشته، به سوی آینده پیش می‌رود. همان‌گونه که والری می‌گوید، «ما از عقب به آینده به آن وارد می‌شویم»^{۱۰۳}... فرشته ملاندی عقب‌عقب به گذشته می‌رود؛ در حالی که به آینده چشم دوخته است. در این حالت فرشته تاریخ که بال‌هایش گرفتار طوفان پیشرفت است به شکل «عقب‌عقب» به سمت آینده می‌رود. برای فهمیدن گذشته، ما باید درست به همان اندازه آن را به شکل «واپس‌رفتن»^{۱۰۴} درنوردیم. هر دو به سوی چیزی می‌روند که نه آن را می‌توانند ببینند و نه بشناسند. هدف نامرئی این دو تصویر فرایند تاریخی «اکنون» است. این اکنون در آنجا پدید می‌آید که نگاه آن‌ها با هم تلاقی می‌کند، هنگامی که آینده‌ای که در گذشته تخمین زده می‌شد با گذشته‌ای که در آینده تبیین می‌شود، برای لحظه‌ای با هم منطبق می‌شوند.^{۱۰۵}

واپس‌روی دیرینه‌شناسی با رفتن به سوی خط مُقسم بین خودآگاه و ناخودآگاه، به خط گسلی نیز دست می‌یابد که در آن یاد و فراموشی، تجربه زیسته و نازیبسته هم با یکدیگر مرادده می‌کنند و هم از یکدیگر جدا می‌شوند.^{۱۰۶} عناصر که ما در تاریخ معمولاً از هم جدا در نظر می‌گیریم در پیش‌تاریخ بلافصل با هم منطبق هستند و خود را در وحدت

جاندارشان می‌نمایانند.^{۱۰۷} پدیده آرکتولوژی^{۱۰۸} به تسامح در زبان فارسی با مفهوم باستان‌شناسی و یا حتی دیرینه‌شناسی، با گونه‌ای از مفهوم فلسفی، عمدتاً در جمع اهل فکر و فلسفه استفاده می‌شود. باستان‌شناسی به مثابه یک رشته و دانش و ابزار شناخت دانشگاهی (آکادمیک) نیست؛ بلکه نوعی رویکرد، دیدمان، و گفتمان جدید تاریخی در صحنه تحولات است.^{۱۰۹} با رویکرد آرکتولوژیک و به کمک و وساطت ابزارهای شناخت باستان‌شناسانه همچون لایه‌نگاری، می‌توان پدیدارهای طبیعی را «جراحی، ریشه‌کاو، و منشأیابی» کرد و زمینه پیدایش، پیشینه، و فرایند «تاریخی» آن‌ها را کاوید^{۱۱۰} و شهر را به منزله مجموعه‌ای از لایه‌های متعدد توصیف کرد.^{۱۱۱} به باور باستان‌شناسان، ردپای زمان در مصالح کالبد و لایه‌های فعالیت با هم ترکیب می‌شوند. به بیان دیگر، آثار لایه‌های گذشته روی لایه‌های بعدی پدیدار می‌شود.^{۱۱۲} از نگاه پُل رینگ^{۱۱۳} خوانش باستان‌شناسی می‌تواند روایات و قصه‌های گذشته را تبیین کند و به این سبب، باستان‌شناسی گونه‌ای از ممارست در تجدید روایت معنا است و به باور بنیامین^{۱۱۴} با چنین خوانشی می‌توان چنین تصاویری را از نو احیا کرد و در مسیر امید برای آینده صلح‌آمیز در قالب سرهم‌بندی‌هایی^{۱۱۵} شکل داد.^{۱۱۶}

۵. لایه‌نگاری در شهرسازی، معماری، و منظر^{۱۱۷}

همان‌گونه که آمد، انگاره لایه‌نگاری نخستین بار در حوزه نوشتاری مطرح و بعدها به حوزه شهری وارد شده است. این مفهوم به معنای بررسی لایه‌سازی در گذر زمان بر پدیده‌ها است.^{۱۱۸} استعاره لایه‌نگاری در شهر بیان می‌کند که چگونه گذر هر دوره‌ای ردی بر چهره شهر می‌گذارد.^{۱۱۹}

به سخن دیگر شهر لایه‌ای از اثرات زوال‌ناپذیر ادوار مختلف است و هویت^{۱۲۰} آن متأثر از تعامل تمام این لایه‌ها

94. Kroessler, *ibid*, p. 1
 ۹۵. آگامبن، همان، ص ۱۲۱.
 96. Dillon, *ibid*, p. 262.
 97. genealogy
 98. palimpsestuous reading
 99. Powell, *ibid*, p. 8.
 100. Dillon, *ibid*, p. 245;
 Foucault, *ibid*, p. 148.
 101. dionysian
 ۱۰۲. آگامبن، همان، ص ۱۳۷.
 103. Nous entrons dans
 l'avenir a reculon
 ۱۰۴. آگامبن، همان.
 ۱۰۵. آگامبن، همان، ص ۱۳۷-۱۳۸.
 ۱۰۶. آگامبن، همان، ص ۱۴۱
 ۱۰۷. آگامبن، همان، ص ۱۲۵.
 108. archeology
 ۱۰۹. ملاصالحی، همان، ص ۳.
 ۱۱۰. همان.
 111. Bailey, *ibid*, p. 21.
 112. *ibid*, p. 18.
 113. P. Ring, "Re Use:
 Archaeology and
 Storytelling", p. 93.
 ۱۱۴. نک:
 W. Benjamin, *Selected
 Writings: 1938-1940 (Vol.
 4)*; *Idem, On the Concept of
 History*.
 115. assemblages
 116. D.J. Marshall, *el al*,
 "Narrating Palimpsestic
 Spaces", p. 22.
 117. landscape
 118. A. Alexandra & T.
 Cornelia, "Micro-urbanism
 and identity. Case study_
 Bucharest, the City as
 Palimpsest", p. 92.

با هم و در کنار هم است. مطالعه لایه‌ها در شهر اولین قدم در خوانش و شناخت آن است^{۱۳۱} که لایه‌های گوناگون شهری را توصیف می‌کند و به بررسی ردّ زمان بر چهره آن می‌پردازد؛ با تأکید بر این امر که هر آنچه زمانی ساخته شده است، ممکن نیست دچار زوال گردد.^{۱۳۲} در عرصه معماری، از معمارانی که برای نخستین بار مفهوم یا کانسیت لایه‌نگاری را طرح کرده‌اند، می‌توان به پیتر آیزنمن^{۱۳۳}، برنارد چومی^{۱۳۴} و رم کولهاس اشاره کرد.^{۱۳۵}

معماری شهر در گذر زمان تولید و بازتولید می‌شود و این فرایند تولید متداوم همواره از خود ردّی بر چهره شهر می‌گذارد. این اثر می‌تواند از سوی طراحان خوانش شود. با استفاده از ابزار، روش، یا انگاره لایه‌نگاری می‌توان به بازنمایی نقشه‌هایی از لایه‌های شهری در قالب نقشه‌نگاری پرداخت.^{۱۳۶} سپس به بازبینی و خوانش مجدد این لایه‌های تاریخی و بازشناسی عناصر ارزشمند نهانی و یا فراموش شده و فضاهای امکان و فرصت در شهر دست یافت.^{۱۳۷} چنین نگرشی که در حرکتی از گذشته تا اکنون مکان در لایه‌های تاریخی آن رخ می‌دهد، می‌تواند در احیای ابنیه تاریخی با حفظ هویت‌های ارزشمند لایه‌های تاریخی مکان مؤثر شود.^{۱۳۸}

آثار به‌جای‌مانده در کالبد ابنیه و یا در لایه‌های فعالیت در یک بافت شهری می‌تواند پیدا یا پنهان باشد. دنبال کردن ردّ تاریخ و زمان در کالبد یک شهر به تناسب غنای تاریخی آن پیچیده‌تر می‌شود.^{۱۳۹} تناقض میان دوگانه‌های جدید و قدیم، نظیر خانه‌های نوساز و بناهای به‌جامانده از گذشته، مفهومی را در شهر می‌پروراند که آمیخته با «حس مکان»^{۱۴۰} و «هویت زندگی» است. تجربه زیسته شهروندان با ماهیت خاص خود، نظیر زندگی اجتماعی و روزمره، ابعاد گوناگون «هویت» شهر را آشکار می‌کند و مؤید این است که انسان، به منزله شهروند، برخوردار از این توان است که، در جوانب گوناگونی، قابلیت هویت‌بخشی و حیات‌بخشی به شهر را فراهم کند و این

مهم‌ترین بُعد هر شهر باشد.^{۱۴۱}

حضور انسان بر شهر ردّ عمیق و ناگسستنی‌ای می‌گذارد و تاریخ و گذر زمان به چنین حضوری مشروعیت می‌بخشد. معماران و شهرسازان بسیاری نظیر آندره کربز، جان برینکرهوف جکسون^{۱۴۲}، سباستین ماروت^{۱۴۳}، جیمز گرنر^{۱۴۴}، کوین لینچ^{۱۴۵}، آلدو روسی، و پیتر آیزنمن با استفاده از رویکرد لایه‌نگاری ردّ زمان را بر ساختار و مواد کالبد ساختمان‌های شهری توجیه می‌کنند. در پالیمپسست در معماری می‌توان به ۶ مورد شامل مکان، استفاده مجدد، حافظه، آثار به‌جامانده، مادیات^{۱۴۶}، و گفتمان اشاره کرد.^{۱۴۷}

گرزب در مطالعه جداره‌های شهری پیشنهاد می‌کند که «خوانش شهر باید با همه لایه‌های متعدد آن انجام شود». به زعم او «ادراک قصه‌های یک شهر ممکن نیست، مگر با تورق شهر و خوانش لایه‌های آن، با وسواسی هرچه تمام‌تر نسبت به بقایای تاریخی شهر؛ درست به مثابه یک باستان‌شناس».^{۱۴۸} هر قلمرویی، پوشیده‌شده از ردّ پایی از گذشته آن، آثار، و خراش‌هایی از خطوط در بافت شهر است. بنابراین هر قلمروی پنهان‌شده زیر بار غبار این خطوط است و با هر خراشی در نگاهی لایه‌نگارانه می‌توان لایه‌های زیرین را کاوید.^{۱۴۹} می‌توان تصور کرد که در صورت مراقبت دقیق، همه لایه‌های زیرین گذشته بتوانند بی‌آنکه دچار کوچک‌ترین تخریب یا فرسودگی شوند، همچنان با همان شکل منحصر به فرد خود باقی بمانند. با چنین دقتی می‌توان ادعا کرد که گذشته به آینده آمده است. همچنان که یک سند از گذشته در قالب «متن باستانی، تصویر، نقشه، و...»، چونان یادگاری از کالبدهای متفاوت عصر خود، می‌تواند در عصر امروزی قابل‌بررسی باشد.^{۱۵۰} مشابه با نظر گرزب در عرصه شهرسازی، آلدو روسی، معمار ایتالیایی، نیز درباره ساختار لایه‌ای شهرها در گذر زمان صحبت می‌کند. او اظهار می‌دارد: «فقط کافی است به لایه‌های شهرها بنگریم.^{۱۴۱} اگر از دریچه دید یک باستان‌شناس شهر را بنگریم، لایه‌های آن آشکار می‌شود»^{۱۴۲}.

۱۱۹. فروید، همان.

120. identity

۱۲۱. همان

۱۲۲. همان.

123. Peter Eisenman

در معماری برای نخستین بار توسط آیزنمن، تحت تأثیر اندیشه‌های ژاک دریدا طرح شد. به زعم دریدا پالیمپسست به این توانایی معماری اطلاق می‌شود که می‌تواند متشکل از اجزای بافت‌های گوناگونی باشد که آن اجزا در گذر زمان، در ساختاری لایه‌لایه، نهایتاً برهم‌نهادی را تولید کرده‌اند. (R. Chai-Elsholz,

"Introduction: Palimpsests and 'Palimpsestuous' Rescriptions", p. 1).

124. Bernard Tschumi

125. R. Koolhaas, *De la*

source Preservation Is

Overtaking Us, p. 15; Lee,

ibid, p. 17.

126. Dovey & Ristic, *ibid*,

pp.15 & 17.

۱۲۷. به طور مثال، راه‌ها بخشی

اصلی استخوان‌بندی شهرها هستند

که با تحلیل پروسه گسترش راه‌ها،

می‌توان گفتمان میان شهر و

شهروندان «کنشگران، بازیگران، و

عاملیت‌های مختلف» را کاوش کرد.

128. *Ibid*.

۱۲۹. مثلاً در شهرهایی با سابقه

غنی تاریخی همچون روم، لندن،

یا همدان که برخوردار از لایه‌های

زمانی متکثری هستند، پیگیری کلاف

تودرتوی تاریخ پیچیده‌تر و سخت‌تر از

بررسی گذر زمان در شهرهایی چون

برای والتر بنیامین پرسه‌زن، به‌مانند یک کارآگاه، کاوشگرانه در راستای آشکارسازی‌ها عمل می‌کند. پرسه‌زن سعی در شناسایی افراد غریبه‌ای دارد که توجه او را در خیابان جلب می‌کنند و از این روست که او از جزئیات ثبت‌شده حواس خود استفاده می‌کند. والتر بنیامین حس بویایی یک «سگ» را با باریک‌بینی و موشکافی «پرسه‌زن» مقایسه می‌کند. همان‌طور که رمان‌نویس استرالیایی هوگو وان هوفمانستایل^{۱۳۳} به این تشبیه اشاره می‌کند:

پرسه‌زن به منزله فردی است که می‌تواند هر آنچه در ادبیات و پیشینه تحقیق نهانی مانده است را بخواند و رمزگشایی کند: چون پرسه‌زن قادر به شناسایی آثار گذشته‌ای است که به صورت عیان نشده، پراکنده، و تقریباً تخریب و ناپدیدشده در شهر فعلی همچنان حضور دارد.^{۱۳۴}

برای بنیامین در اثر «درباره مفهوم تاریخ»^{۱۳۵} تاریخ قلمروی خاص نشانگرها است. در اینجا نشانگرها تحت نام «شاخص‌ها»^{۱۳۶} (مخفی، تاریخی، زمانی) یا تصویرها^{۱۳۷} — که اغلب دیالکتیکی دانسته می‌شوند — ظاهر می‌شوند؛^{۱۳۸} زیرا شاخص تاریخی تصویرها نه تنها گویای آن‌ها به زمان خاصی است، بلکه، بالاتر از هر چیز، گویای آن است که تنها در زمان خاصی به خوانش‌پذیری می‌رسند. هر امری با تصویرهایی هم‌زمان با آن معین می‌شود.^{۱۳۹}

آلدو روسی، مانند والتر بنیامین، باور دارد که نگهبان شهر باید در خدمت روح زمانه و الهیات اسطوره‌ای باشد که سرنوشت مکان‌ها را اداره می‌کنند. به زعم روسی هر واقعیت شهری دارای ویژگی پیچیده‌ای است: کیفیت منحصر به فرد هر فضای شهری ناشی از نشانه‌های متوالی است که تغییرات تاریخ در گذر زمان را در خود ثبت کرده و به میراث گذاشته‌اند. معماری شهر خود شاهد تأثیرگذاری نسبت به زندگی روزمره شهری است؛ زیرا این اثر عینی، همراه با آثار ذهنی‌اش، مؤید فرازونشیب و دگرگونی‌های ساختاری در طول زمان است؛ که همچنان در شهر تثبیت شده و بر جای مانده‌اند. طبق نگاه پالیمپستی یا لایه‌نگاری، آثار و

ردپاهایی از زمان‌های ناهمگون در کنار یکدیگر جمع می‌شوند و نهایتاً تولیدی از ترکیب‌بندی تصاویری را ایجاد می‌کنند که حکایت از انعطاف‌پذیری‌های شگرف دارد.^{۱۴۰}

به زعم رایموند بلوچ^{۱۴۱}، منظر یا چشم‌انداز به مثابه یک کلیت فقط در آگاهی انسان‌ها وجود دارد و از این‌ره، منظر شهری در ذهنیت هر فرد تا فرد دیگر متفاوت است. منظر مجسمه‌ای نیست که منتج از یک فضای سازمان‌دهی‌شده، فضاها، و احجام باشد، بلکه ترکیب‌بندی و تجمعی از قطعات از هم‌گسیخته و پراکنده‌ای از فرازونشیب‌هایی است که با یکدیگر در گفتگویی بی‌صدا هماهنگ می‌شوند و نهایتاً تصویری را در ذهنیت فرد ایجاد می‌کنند که در آن فاصله‌ای وجود ندارد و معنابخشی به آن توسط انسان انجام می‌شود؛ چون انسان آن را با شأنیّت یک نظام هم‌رسمی و هم‌غیررسمی ادراک می‌کند و در نتیجه می‌تواند آن را با یک اثر هنری مقایسه کند.^{۱۴۲}

نقشه یا دید مستقیم از منظر، تولیدی به شکل متمرکز، مختصر و یا تجزیه‌وتحلیلی مستدل است که می‌تواند برای اقدام استفاده شود.^{۱۴۳} باین‌حال، روابط میان سوژه-ابژه همواره به صورت ریزومیک، متداوم، و متناوب است. به سخن دیگر، می‌توان سیستم گشوده‌ای را بازشناخت که امکان هرگونه تغییرات متناوب سینوسی در آن هست. حضور قلمرو را نیز در منظر می‌توان ملاحظه کرد. قلمروی که ممکن است از آنچه انسان‌ها می‌دانند یا درک می‌کنند کاملاً متفاوت باشد. در دوگانه‌های مصنوع بشری و طبیعت نتیجه حاصله در قاب یک منظر می‌تواند به مثابه زمینه‌ای باشد که با استفاده از نگرش لایه‌نگارانه، قابلیت خوانش روابط فردی، اجتماعی با مکان در گذر زمان را میسر می‌کند.^{۱۴۴}

۶. تحلیلگر، پرسه‌زن، نشانه‌شناسی و خوانش لایه‌نگارانه

تاریخ‌نویس اسناد خود را به شیوه‌ای تصادفی یا سرسری از میان

را اعلام می‌کند؛ خون در رگ‌های پرسه‌زن پرشور و هیجان‌زده، تنگ می‌شود و صدای ضربان قلبش به‌مانند تیک‌تاک ساعت شروع به نواختن می‌کند.^{۱۶۱}

همچنان‌که والتر بنیامین اظهار می‌دارد: «معماری در حال ظهور در هر عصری، توسط انگاره 'شفافیت' تحت سلطه قرار می‌گیرد».^{۱۶۲}

مطابق با دیدگاه‌های میلانز، شهر پالیمپسست یا لایه‌نگاری‌ای است که در آن نشان‌هایی از زمان‌های ناهمگون بر روی هم انباشته می‌شوند و معماری شهر خود گواهی بر برتری زندگی روزمره است؛ زیرا در ثبات آن نابرابری‌های بشریت در طول زمان تثبیت می‌گردد. معماری شهر آرشویی از خاطرات جمعی و شخصی است؛ همچنان‌که آلدو روسی در مقدمه‌ای از اثر معماری شهری^{۱۶۳} به‌روشنی آن را تبیین کرده است:

معماری آزمونی برای طمها و نگرش‌های نسل‌ها است، نسبت به رویدادهای عمومی و تراژدی‌های خصوصی، نسبت به واقعیت‌های جدید و قدیم. معماری، صحنه ثابتی برای وقایع انسانی است. فقط لازم است که به لایه‌های شهری‌ای نگاه کنیم که باستان‌شناسان به ما نشان می‌دهند. آن‌ها به مثابه یک پارچه (بافت) اولیه و ابدی از زندگی، همانند یک الگوی ناپایدار ظاهر می‌شوند.^{۱۶۴}

می‌توان لایه‌ها و سطوح شهر را به مثابه یک دره درونی در نظر بگیریم: یک فضا، زیرلایه‌ای مملو از مواد یا یک شکاف و فاصله^{۱۶۵}؛ یا محفظه‌ای دربردارنده چیزها؛ جایی که می‌توان نشانه‌ها و آثار متوالی‌ای از ساکنان آن را یافت که همگی به صورت روح‌هایی حاضر در آنجا وجود دارند و این ارواح در انتظار احیا و جان بخشیدنشان مستقر شده‌اند و امید به بازخوانی‌شان توسط شخص «پرسه‌زن» دارند.^{۱۶۶}

طبق گفته بنیامین، سطح کف زمینی که «پرسه‌زن» بر روی آن حرکت می‌کند، حداقل دارای شرایط دوگانه است. با توجه به اینکه به لطف آثار و نشانه‌های به‌جای‌مانده از گذشتگان، سحر

انبوه بی‌پایان بایگانی‌ها بر نمی‌گزیند، بلکه همچون نخ ظریف و محو نشانگرهایی را دنبال می‌کند که بتوانند هم اکنون و هم اینجا را بازخوانی کنند.^{۱۵۵} خوانش، رمزگشایی، معناکاوی، تقریر، و تفسیر داده‌های خاموشی که خود را در قالب لایه‌ای از پوست‌های چندلایه شهر نشان می‌دهند، به میزان بسیاری متأثر از استعدادهای ذهنی و قابلیت‌های فکری و خلاقیت‌های خرد و خیال فرد تحلیلگر یا برهم‌نهادنده — به مثابه عالم و فاعل شناسا یا سوژه فعال — است.^{۱۵۶}

همچنان‌که گذشته شهر به صورت تکه‌تکه و پراکنده در آثار و ردپاهایی از آن زنده می‌ماند و نفس می‌کشد، آوای آن نیز ضعیف به گوش می‌رسد:

در رویکرد پرسه‌زنی^{۱۵۷} مکانی که به خواب فرو رفته است، در سکوتی توأم با بی‌فکری و در حالتی که هنوز چهره باطنی شهر آشکار نشده است، بازخوانی می‌شود و لایه‌های تاریخی خفته با کنارگذاشتن زمینه‌های همگن شهر کنونی که ردیابی‌ها تعادل ادراکی عینی و ظاهری را از بین می‌برند، پدیدار می‌شوند: به نظر می‌رسد آن لایه‌های تاریخی بیدار شده و شگفت‌زده‌اند و به فردی که آن‌ها را بیدار کرده است — پرسه‌زن — می‌نگرند.^{۱۵۸}

والتر بنیامین بیان می‌دارد:

در آن لحظه فضا پرسه‌زن را نادیده می‌گیرد و در طول مسیر حرکت پرسه‌زن پالیمپسست (لایه‌نگاری) است که آغاز به فعال شدن می‌کند و در این هنگام است که تصاویری از گذشته شهر، در قالب مکان‌های شاخص، آغاز به بازنمایی می‌کنند. آن‌ها هیچ نیازی به زمان‌بندی ندارند و این سفر در زمان برای پرسه‌زن است که باعث نوعی سرگیجه یا سرمستی، شور و شعف فراموش‌نشده^{۱۵۹} او می‌شود.^{۱۶۰}

این سرمستی و شور و شعف شامل حال آدمی است که در مسیری طولانی و بی‌هدف در این خیابان‌ها در حال حرکت است [...] هنگامی که به طور صادقانه‌ای این مرحله سرمستی وضعیت خود

130. sense of place
131. Carter, et al, "Displaced Voices: Sense of Place and Place-identity on the Sunshine Coast", p. 755.
132. John Brinckerhoff Jackson
133. Sébastien Marot
134. James Corner
135. Kevin Lynch
136. materiality
137. Verheij, *Palimpsest in Architecture Six Personal Observations*, p.162.
۱۳۸. نک:
A. Corboz, "The Land as Palimpsest".
139. Lee, *ibid*, p. 98.
140. Corboz, *ibid*, p. 33.
141. A. Rossi, *The Architecture of the City*, pp. 22 & 130.
142. Lee, *ibid*, p. 82.
143. Hugo von Hofmannsthal
144. J.M. Millanes, *The City as Palimpsest*, p. 1; M. Lauster, "Walter Benjamin's Myth of the 'Flâneur'", pp. 139 & 141.
145. on the concept of history
146. indexes
147. Bilder
۱۴۸. آگامبن، همان، ص ۹۶.
۱۴۹. همان جا.
150. Millanes, *ibid*, p. 2.
151. Raymond Bloch
152. Corboz, *ibid*.

و جادوی آن آثار گذشته در عصر حاضر طنین انداز می‌شود و پژواک می‌یابد:

همچنان که او پیاده‌روی می‌کند، گام‌های او باعث ایجاد تشدید آوای طنین انداز شگفت‌انگیزی بر روی آسفالت می‌گردد. گویا حرکت او آن روح‌های نهفته در لایه‌های زیرین را به حرکت وامی‌دارد؛ تا توجه پرسه‌زن را به خود جلب کنند...^{۱۶۷}

درخشندگی چراغ‌گازی بر روی سطح پیاده‌رو هاله‌ای از نور مبهمی را بر روی این کف یا طبقه با ماهیت دوگانه ایجاد می‌کند. شهر به مثابه معجزه‌ای برای پرسه‌زن یکه و تنها است؛ به طور کلی تعریف بنیامین از «ردیابی» واژه کلاسیک «نشانه»^{۱۶۸} است. این نشانه و ردپا ظهور از یک باطن و معنا است که، در پس اثر فعلی، نهان شده است و نیاز به کشف دارد. با استفاده از این ردپاها، ما می‌توانیم ماهیت اصلی هر چیزی را به دست بیاوریم. به این ترتیب، در تداومی از ردپای هر چیزی، گونه‌ای از گذشته و حال ناسازگار و ناهماهنگ می‌توانند در یک هم‌زمانی و انطباق خاص مدیریت شوند:

گذشته زیسته‌شده دست‌نیافتنی و یا گذشته هرگز زیسته‌نشده هنوز هم کورسویی از نور امیدی برای تجربه آن‌ها وجود دارد؛ چون این «ردیابی» از یک پایداری مادی برخوردار است.^{۱۶۹}

این تأخیر گذشته در عصر حاضر مطابق با اصل برهم‌زهی^{۱۷۰} ظاهر می‌گردد. امواجی از گذشته که با امواجی از عصر حاضر هماهنگ می‌شود. به این معنا که با ردیابی آثار و نشانه‌های مرتبط با گذشته، می‌توان آن را در آثار یا نشانه‌هایی در عصر حاضر بازشناسی و خوانش کرد:

ما می‌دانیم که در جریان ردیابی پرسه‌زنی، زمان‌ها و مکان‌های دور از دسترس می‌توانند به چشم‌اندازها، مکان، و زمان‌های عصر حاضر نفوذ کنند.^{۱۷۱}

بنابراین در این روش پرسه‌زن تصویری از شهر نخستین و اولیه را از طریق تصویر شهر کنونی درمی‌یابد. به طور مثال، در

مروری که از کتاب پیاده‌روی در برلین^{۱۷۲} منتشر شده، بنیامین بینش فرانتز هسیل^{۱۷۳} را برای ردیابی و کاوش در ماندگاری مکان‌های تغییرات ستایش می‌کند، مکان‌هایی که در گذر زمان به آن‌ها بی‌مهری شده است.^{۱۷۴}

در تصویر شهری، گذشته می‌تواند با آنچه در عصر حاضر است هم‌زیستی کند. با استفاده از آنچه آلدو روسی آن را «هم‌خلقی»^{۱۷۵} یا «ارزش بالقوه اشکال»^{۱۷۶} می‌نامد. به باور آلدو روسی:

در برخی از شهرها، برخی از اشکال ساختمان‌ها، ظرفیت زیادی برای سازگاری دارند و از طریق زمان، توابع و ارزش‌ها را کاملاً متفاوت از آنچه مورد هدف بوده است در نظر می‌گیرند و حتی رابطه بین «جزء» و «کل» نیز در گذر زمان مورد ویرایش واقع می‌شود.^{۱۷۷}

به این ترتیب که با اتخاذ یک «تابع جدید»^{۱۷۸} معماری نیز موقعیت نسبی خود را در داخل شهر تغییر می‌دهد، بدون آنکه تغییری در مکان حاصل شود. پرسه‌زن هنگام بازگشت و رجعت به گذشته، در اشکال شهری تابع اولیه‌ای را کشف می‌کند که می‌تواند همچنان در تابع امروزی نیز کاربست یابد.^{۱۷۹}

مکان‌ها در شهر برای پرسه‌زن چون «نگهبان، حافظ، و پاسبان»^{۱۸۰} هستند؛ همچنان که روسی اظهار می‌دارد:

شرایط آن‌ها به مثابه سپرده‌گذارانی برای حافظه جمعی است، چون در آن‌ها موقعیت‌ها و رویدادهایی که هرگز در مرتبه‌های خطی زمان به یکدیگر مرتبط نیستند، تقریباً هم‌زمان می‌شوند.^{۱۸۱}

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اکنونی بودن فعلی، زمان حاضر یا اکنون نهفته در گفتار را توضیح می‌دهد که با هر بار تولید گفتار از نو تمدید می‌شود و از آنجا که با حضور خود ما مصادف است، گونه‌ای از حس پیوستگی و تداوم را در آگاهی ما ایجاد می‌کند که آن را «زمان» می‌نامیم. با تعمیم این تداوم و پیوستگی در طول زمان در قالب لایه‌های متکثر می‌توان گفتارهای متعددی را برای شهر با همه جنبه‌های عینی

153. Dovey & Ristic, *ibid.*
 154. Corboz, *ibid.*
 ۱۵۵. آگامبن، همان، ص ۹۷.
 156. Richardson, *ibid.*, pp. 9 & 12.
 ۱۵۷. برگرفته از پرسه‌زن
 158. Millanes, *ibid.*, p. 1.
 159. anamnestic intoxication
 160. Lauster, *ibid.*
 161. Millanes, *ibid.*, pp. 1&7.
 162. *ibid.*, pp. 3-4.
 163. Rossi, *ibid.*, p. 22.
 164. Busà, *ibid.*, p. 29.
 ۱۶۵. Chora: این کلیدواژه مصطلح در فلسفه افلاطون است که عمدتاً برای تعیین یک ظرف، فضا، یک زیرلایه مواد، و یا یک فاصله است.
 166. Millanes, *ibid.*, pp. 3-6.

آرشیو قابلیت بررسی دارد. پالیمپست یکی از ابزارهایی است که می‌تواند وعده مرور جنبه‌های عینی و ذهنی این آرشیو را در نگاهی روان‌شناسانه و پرسه‌زنی فراهم کند و تاریخ را در قالب یک صنعت فرهنگی عرضه کند.

۲) در لایه‌نگاری چه اهدافی در رشته شهرسازی دنبال می‌شود؟

- شناخت شهرهای تاریخی و حفظ تداوم تاریخی‌شان
- تأکید بر سازگاری لایه‌های تولیدشده جدید با هویت و ماهیت متداوم بستر و زمینه
- آشکارگی لایه‌های زیسته‌شده آشکار و نهان، یا زیسته‌نشده آن
- آشکارگی و وضوح‌بخشی دوباره روح ارزش‌ها و هویت‌های ارزشمند دیرین گذشته و اهتمام به حفظ آن‌ها
- بازخوانی گفتمان‌های نهانی یا فراموش‌شده در ساختارهای «توان» و «قدرت»، و آزمون مجدد دانش‌های ذهنی
- ایجاد هم‌پیوندی‌های عمیق و ریشه‌دار در هویت‌های فردی و جمعی شهروندان با شهر
- امکان مشاهده گذشته و حال و به‌تصویر کشیدن آینده
- فراهم‌سازی زمینه لازم برای انجام تحقیقات آتی در ابعاد بلندمدت و گسترده شرایط انسانی و رابطه آن با جهان زندگی و ادراک فردی
- تصویرسازی تجارب زیسته‌شده - تجارب ذهنی مشترک در حافظه جمعی شهروندان - و حتی زیسته‌نشده - دیگربودگی‌ها - با بیانی خلاقانه و آفرینشگرانه
- غنی‌سازی تجارب فردی و جمعی با تأکید بر جنبه‌های احساسی تجربه زیسته شهری
- ارتقای کیفیت شهری در هر دو سطح محلی و کلان
- امکان درک هدفمند روابط پویا و پیچیده میان لایه‌های پنهانی در سیستم کالبدی شهری
- ایجاد سازندگی و بازتولید شهر
- تولید لایه جدیدی از جغرافیای امکان و فرصت، به مثابه مولدی

و ذهنی آن کاوش کرد. در شهری که تجربه‌کننده رخدادها و پیدایش‌های بی‌شمار است؛ می‌توان «اکنون»هایی را یافت که هرگز کوچک‌ترین تأثیری از «دیگر بودگی»هایشان نمی‌پذیرد. در این بخش به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های تحقیق به جمع‌بندی کاربرست لایه‌نگاری پرداخته می‌شود. باین‌حال می‌توان گفت که پاسخ‌های مرتبط با آن پرسش‌ها همپوشانی‌هایی با یکدیگر دارند.

۱) انگاره، مفهوم، یا روش «لایه‌نگاری» چیست؟

همان‌گونه که آمد، با تفحص در فرهنگ لغات، پالیمپست به منزله سطح نوشتاری بر روی پاپیروس، پوست آهو، و... بود که، با هدف صرفه‌جویی متأثر از عوامل اقتصادی، نوشته جدید بر نوشته قبلی نقش می‌بست و این عمل به‌کرات رخ می‌داد. امروزه پالیمپست به هر پدیده‌ای اطلاق می‌گردد که جدا از تغییر و تحولاتش در طول زمان، بتواند همچنان اثرات گذشته را نیز شامل باشد. پالیمپست شهر با ساختار چندلایه خود، رویکردی است که حکایت از بازتولید شهر در فرایند تخریب و بازسازی متداوم دارد و دوگانه‌های متکثری مانند وضوح و ابهام، همپوشانی‌ها و تداخلات و غیره را دارد. یک شهر تاریخی می‌تواند به مثابه یک پالیمپست با ساختار چندلایه فهمیده شود. در این چندگانگی لایه‌ای می‌توان ژرفای فرهنگی‌ای را مشاهده کرد که نه‌تنها در ریخت‌شناسی این شهر تاریخی، بلکه در بناهای تاریخی آن نیز نمایان است.

شهرهای تاریخی در تغییرات ذاتی‌ای که در طول زمان متحمل شده‌اند، این تغییرات را مانند رسوباتی در خود به شکل لایه‌هایی ذخیره کرده‌اند. در خلال این رسوبات می‌توان روح‌های گمشده‌ای را کاوش کرد که نشان از تاریخ، فرهنگ، هویت، خاطرات، قصه‌ها، و ارزش‌های دیرین گذشته دارند. به بیان دیگر، شهر تاریخی به مثابه میراث آرشیوگونه‌ای است که حامل تغییرات متکثر در طول سیر تاریخی آن است، تغییراتی متأثر از نیروهای مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و...؛ این

167. Millanes, ibid, p. 2; Lauster, ibid.

168. indication

169. Millanes, ibid, pp. 4-5.

170. superposition

171. Ibid, p. 3.

172. walks through Berlin

173. Franz Hessel

174. Ibid, p. 5.

175. dispositional

176. potential value of the forms

177. Ibid, p. 6.

178. new function

179. Ibid, p. 6.

180. guard

181. Ibid.

برای تحولات پایدار شهری و جلوگیری از فرسایش شهری - ایجاد امکان برای کشف کتیبه و الواح نامرئی، پنهانی، و غیرمنتظره گذشته، حال، و آینده در بافت شهری

۳) فواید لایه‌نگاری در عرصه «عمل و نظر» به منظور بازخوانی مسائل شهری چیست؟

مفهوم پالیمپست یا «لایه‌نگاری» برای تجزیه و تحلیل روش‌هایی آزمون می‌شود که می‌توانند حکایت‌های اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، و سیاسی مرتبط با مکان و هویت مکان در فضاها ساخته شده را تبیین کنند. پالیمپست به دلیل قدرت ماندگار و سازگاری نظری خود، می‌تواند امکان هم‌پوشانی زیادی را در همه مقیاس‌ها و سطوح اسناد تجربی نوظهور داشته باشد.

پالیمپست هسته تاریخی شهری از تولید لایه‌های یادرفته یا مغفول سرشار از ارزش حکایت می‌کند، که متأسفانه لایه‌های ناسازگار و ناهمخوانی دیگری را نیز حکایت می‌کند که مغایر با هویت و ماهیت متداوم بستر و زمینه است. چنین لایه‌های نابسامانی در کاهش و افول چشمگیر یکپارچگی شهر مؤثر افتاده‌اند و روند نزولی‌ای را برای هسته تاریخی شهر فراهم کرده‌اند. بنابراین، کاربست خوانش پالیمپستی می‌تواند در ارتقای کیفیت شهری در هر دو سطح محلی و کلان، همچنین در قابلیت درک هدف‌مند روابط پویا و پیچیده میان لایه‌های پنهانی در سیستم کالبدی شهری مؤثر واقع شود. در بافت‌های تاریخی با ظرفیت‌های ماندگاری می‌توان از لایه‌های زیسته شده آشکار و نهان، یا زیسته نشده آن به مثابه مولدی برای تحولات پایدار شهری و جلوگیری از فرسایش شهری استفاده و نقاط عطف و شاخص ملموس و ناملموس را کاوش و فضاهای نهفته و امکان را شناسایی و نهایتاً برای سازندگی و بازتولید شهر از آن‌ها بهره برد و بدین ترتیب برای غنی‌سازی تجارب فردی و جمعی با تأکید بر جنبه‌های احساسی تجربه زیسته شهری همت گمارد و با ایجاد مکان‌های واجد ارزش، از فراموشی فرهنگی و

از هم‌گسیختگی شهروندان با مکان جلوگیری کرد. پالیمپست می‌تواند بر ارزش‌های عمیق‌تر، فضایی، نرم، شاعرانه، و فلسفی توجه کند و این چیزی است که متأسفانه در اکثر پروژه‌های کنونی مفقود شده است. به این سبب، بهره‌گیری از پالیمپست می‌تواند به مثابه نگرش طراحی حساس‌تری لحاظ شود که به تاریخ احترام می‌گذارد و سعی می‌کند با متن و زمینه شهری به گفت‌وگو بپردازد.

رویکرد پالیمپست می‌تواند در عرصه‌های معماری، طراحی شهری، برنامه‌ریزی شهری، منظر، و باستان‌شناسی نقش بسزایی ایفا کند و با شناخت و آگاهی‌ای که پیرامون مکان فراهم می‌کند و «تاریخ» مکان را در محوریت خود قرار می‌دهد، می‌تواند در احیا، بهسازی، باززنده‌سازی، نوزایی، نوسازی، و بازآفرینی شهری در مکان‌های تاریخی نقش مؤثری را داشته باشد و می‌تواند رشد و توسعه لازم را با توجه به پیوستگی و ارتباط بافت قدیم و جدید در کنار ارزش‌های هویتی، تاریخی، و درونی زمینه، چه به لحاظ عینی و چه ذهنی، فراهم کند.

شهرهای تاریخی شهرهای پالیمپستی‌ای هستند که متشکل از لایه‌های متکثر هویت، خاطره، زمان، و ارزش‌ها هستند.

در مورد نقش پالیمپست در جنبه‌های کالبدی- فیزیکی می‌توان به ریخت‌شناسی شهری و بناهای تاریخی اشاره کرد. در واقع در اقدامات مرمتی و بازسازی نسبت به بناها یا مکان‌های تاریخی ارزشمند می‌توان از طرح اثر قدیمی به مثابه ایده، ساختار، و زیرنقش طرح جدید استفاده کرد تا اثر جدید بتواند از روح و خاطره حیات قبلی آن مکان برخوردار باشد و بدین ترتیب می‌توان هم‌پیوندی میان کهنه و نو و هم‌زمانی‌های گذشته، حال، و آینده را فراهم کرد.

در مورد نقش پالیمپست در ذات و معنا نیز می‌توان به نگاه روان‌شناسانه و پرسه‌زنی‌ای اشاره کرد که مفاهیم «تاریخ» و «زمینه» در آن بسیار حایز اهمیت می‌شوند؛ به این ترتیب که

الواح نامرئی، پنهانی، غیرمنتظره گذشته، حال، و آینده در بافت شهری دارد. درواقع دارای قابلیت بازخوانی گفتمان‌های پنهانی یا فراموش‌شده در ساختارهای «توان» و «قدرت» و همچنین آزمون مجدد دانش‌های ذهنی است. قابلیت آشکارسازی مفاهیمی را دارد که از متن شهر پاک نشده‌اند و بیانگر شیوه‌هایی است که در آن لایه‌های زمان و ذهنیت در شیوه پیچیده‌ای در کنار یکدیگر مستقر شده‌اند.

– ساختار پالیمپستوسی مکان به مثابه یک امر کلی است که شامل «هم این و هم آن» یا «نه این و نه آن» است. پالیمپست معانی پنهانی و ناگفته در گفتار و زبان شهر را می‌کاود و تجارب زیسته‌شده – تجارب ذهنی مشترک در حافظه جمعی شهروندان – و حتی زیسته‌نشده – دیگربودگی‌ها – را با بیانی خلاقانه و آفرینشگرانه به تصویر می‌کشد و نقاط ناپدیدشونده، دست‌نیافتنی، و گذرایی را در لایه‌های شهری بازگشایی می‌کند. بدین اعتبار می‌توان تاریخ را، به واسطه اسناد و تصاویر و نه روایات، تجزیه و تحلیل کرد. این اسناد و تصاویر می‌توانند احیا و در قالبی نو، اشکال، فرم‌ها، فعالیت‌ها، و فضاهای جدیدی را سبب شوند.

– استفاده مکرر از وقوع چرخه متداوم ماریچی که از طریق فضا و روابط چندلایه آن ادراک می‌شود، قابلیت تولید و بازتولید همه لحظات واقع در حد فاصل حال و گذشته را به طور ذهنی فراهم می‌کند. با اندیشیدن در این خصوص فرد خواهد توانست به تولید جدیدی از آگاهی و دانش دست یابد تا بتواند شهر را از نگاه دیگری بکاود که قطعاً متفاوت از آن چیزی است که می‌نماید؛ یا آنچه نظام قدرت اعمال می‌کند. این امر می‌تواند قابلیت کیستی شهر را فراهم کند. چنین درکی از مفاهیم اجتماعی، فرهنگی، و تاریخی را می‌توان در عرصه اقتصاد سیاسی نیز تعمیم داد و همواره ظرفیت‌ها و امکان‌هایی را برای بازتولید شهر فراهم کرد. استفاده از تجزیه و تحلیل‌های منتج از پالیمپست می‌تواند زمینه انجام تحقیقات آتی را در ابعاد بلندمدت و گسترده شرایط انسانی

سعی می‌شود بر ناخودآگاه ضمیر شهر تاریخی نفوذ شود و فراتر از جنبه‌های فیزیکی-کالبدی، به جنبه‌های ذهنی، خاطرات جمعی، و جنبه‌های پنهانی و فراموش‌شده تاریخ توجه کرد تا بتوان به آشکارگی مواردی که تاکنون مورد توجه نبوده‌اند، پرداخت و اطلاعات متأثر از خراش زمان بر پوست شهر را طبقه‌بندی و کدگذاری کرد، سپس به معاصرسازی این اطلاعات پرداخت.

۴) کاوش با انگاره یا مفهوم «لایه‌نگاری» در راستای «تولید دانش فضایی» چه امتیازهایی می‌تواند در عصر فعلی داشته باشد؟

– برای آشکارگی و وضوح بخشی دوباره روح پنهانی یا فراموش‌شده ارزش‌ها و هویت‌های ارزشمند دیرین گذشته و اهتمام بر حفظ آن‌ها، چه در ریخت‌شناسی شهری و چه در بناهای تاریخی، نیازمند ابزارهایی هستیم. استفاده از خوانش پالیمپستی ابزاری است که زمینه آگاهی، شناخت، و دانش را از طریق قوای حافظه و زبان فراهم می‌کند.

– انگاره پالیمپست نشان می‌دهد که در حوزه متافیزیکی هر آنچه به گذشته اطلاق می‌شود، مشمول بخشی از وجود انسان‌ها و روابط ناگسستی دیرینه آن‌ها با مکان است و مطابق با نتایج حصول از پالیمپست، دنیای کنونی کاملاً متفاوت از دیدگاه‌های متعارف آن است و با چنین خوانشی می‌توان به ادراک جامعی پیرامون زمان‌های سه‌گانه گذشته، حال، و آینده نایل شد.

– پالیمپست می‌تواند با نگاه نقادانه خود به تبیین لایه جدیدی از جغرافیای فرهنگی بپردازد و به مثابه الگویی دربردارنده چندگانگی عاملیت‌ها، استراتژی‌های روزمره، شیوه زندگی، و تصاویر تولید و بازتولیدشده شهر است، می‌تواند به درهم‌آمیختگی‌ها، بازنمایی‌ها یا عدم بازنمایی‌های فضاها، مکان‌ها، و قصه‌های گذشته و اکنون شهر بپردازد و بنیان دگرگونی‌ها و دگردیسی‌های آتی شهر را فراهم آورد.

– پالیمپست نقش مؤثری در ایجاد امکان برای کشف کتیبه و

و رابطه آن با جهان زندگی و ادراک فردی فراهم آورد.
(۵) لایه‌نگاری برای گره‌گشایی کدامین چالش‌ها، مسئله‌ها، یا بحران‌هایی از شهر یا کلان‌شهرهای معاصر می‌تواند مؤثر باشد؟

- بحران هویت، فراموشی فرهنگی و ازهم‌گسیختگی و ناهم‌پیوندی انسان با شهر به دلیل ساختار پیچیده لایه‌نگارانه پالیمپست، متشکل از متون متفاوتی است که در کنار یکدیگر با حالات گوناگونی استقرار یافته‌اند و با کاوش در آن‌ها و از طریق ترکیب اشیای واقعی پیچیده می‌توان به هم‌پیوندی‌های عمیق ریشه‌دار در هویت‌های فردی و جمعی شهروندان با شهر دست یافت. در تأکید بر حافظه جمعی شهر که در اشتراک با خاطره‌های عمومی جامعه قرار دارد، می‌توان کلیت واحدی از یک بدن و یک روح واحد را تولید کرد. وحدت اجتماعی‌ای که هم طبیعی و هم اسطوره‌ای است و اجزای آن با انتظامی کیهانی ساختار یافته‌اند و از آن‌رو انتظام و انسجام جامعه به سبب

ارتباطات میان آن‌ها فراهم شده است.
 - شناخت شهرهای تاریخی و حفظ تداوم تاریخی‌شان
 - آشکارگی و وضوح‌بخشی دوباره روح ارزش‌ها و هویت‌های ارزشمند دیرین گذشته و اهتمام به حفظ آن‌ها
 - بازخوانی گفتمان‌های نهانی یا فراموش‌شده در ساختارهای «توان» و «قدرت»
 - غنی‌سازی تجارب فردی و جمعی با بهره‌گیری از هویت و جنبه‌های معنایی و ارزش‌های فرهنگی در بافت‌های تاریخی
 - سازندگی، بازتولید شهر، ارتقای کیفیت شهری در هر دو سطح محلی و کلان در بافت‌های تاریخی
 - کاربست بافت‌های تاریخی به مثابه مولد به منظور مقابله با فرسایش شهری
 - طرح‌ها و پروژه‌های امروزی عمدتاً بی‌توجه بر زمینه و بافت تاریخی انجام می‌شوند. چنین امری سازمان‌فضایی شهر را با چالش‌ها و مسائل عدیده‌ای رویارو کرده است.

منابع و مأخذ

- آگامبن، جورجو. نشاتگر همه چیزها، ترجمه علی فردوسی، تهران: دیبایه، ۱۳۹۴.
- حیبی، سید محسن. از شار تا شهر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- دلوز، ژیل. اسپینوزا، نیچه، هیوم، برگسون، فوکو، بکت، اسکیزوکاوی، لایبنتیس، فلسطین، قطعات، و یک زندگی...، ترجمه پیمان غلامی و ایمان گنجی، تهران: نشر پیشگام، ۱۳۹۷.
- فروید، زیگموند. تمدن و ملالت‌های آن، ترجمه محمد مشیری، تهران: نشر ماهی، ۱۳۸۲.
- ملاصالحی، حکمت‌الله. «سرگفتار باستان‌شناسی [۱]»، در پژوهش‌های باستان‌شناسی و مطالعات میان رشته‌ای، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۳۸۴)، ص ۱-۶.
- _____ . «سرگفتار باستان‌شناسی [۲]»، در پژوهش‌های باستان‌شناسی و مطالعات میان رشته‌ای، ش ۳ (بهار و تابستان ۱۳۸۵)، ص ۶-۱۰.

Agamben, G. *The Signature of all Things: On method*, Trans. Luca D'Isanto & Kevin Atell, New York: Zone Books, 2009.

_____. *What is an apparatus? and other Essays*, Trans. David Kishik & Stefan Pedatella, Marketing Flyer, 2009.

Alexandra, A & T. Cornelia. "Micro-urbanism and identity. Case study_Bucharest, the City as Palimpsest", in *CSE-City Safety Energy*, (1) (2015), pp. 91-104.

Arbak, A.E. "An Analysis On The Transformation of Urban Identity: Case Study Of Bodrum", A Thesis Submitted to the Graduate School of Natural and Applied Sciences of Middle East Technical University, 2005.

Aska, B. "The Urban Palimpsest: the Interplay between the Historically Generated Layers in Urban Spatial System and Urban Life", in *INTERNATIONAL SPACE SYNTAX SYMPOSIUM*,

January 2007.

Bailey, G. "Time Perspectives, Palimpsests and the Archaeology of Time", in *Journal of Anthropological Archaeology*, 26(2) (2007), pp. 198-223.

Bargalló, A. & M.J. Gabucio & F. Rivals. "Puzzling out a Palimpsest: Testing an Interdisciplinary Study in Level O of Abric Romaní", in *Quaternary International*, 417 (2016), pp. 51-65.

Benjamin, W. & G. Steiner. *The Origin of German Tragic Drama*, London: nlb, 1977.

Benjamin, W. "The Arcades Project", in Eds. G. Bridge and S. Watson, *The Blackwell City Reader*, Chichester: Wiley-Blackwell, 2010, pp. 119-125.

_____. *On the Concept of History*, CreateSpace Independent Publishing Platform, 2009.

_____. *Selected Writings: 1938-1940 (Vol. 4)*, Harvard University Press, 1996.

Bartolini, N. "Critical Urban Heritage: From Palimpsest to Brecciation", in *International Journal of Heritage Studies*, 20(5) (2014), pp. 519-533.

Boukharaeva, L.M. & M. Marloie. "The Palimpsest of Urban Gardening in Russia", in *Family Urban Agriculture in Russia*, Springer, Cham, 2015, pp. 21-46.

Busà, A. "Palimpseststadt- City of Layers", in *Mu. dot* (Magazine for Urban Documentation, Opinion, Theory), 2008, pp. 26-30.

Carter, J. & P. Dyer & B. Sharma. "Dis-placed Voices: Sense of Place and Place-identity on the Sunshine Coast", in *Social & Cultural Geography*, 8(5) (2007), pp. 755-773.

Ciobota, A. & M. Sliacka & V. Obradovici. "The Concept of Genius Loci in Relation to Landscape Changes", in *Bulletin of University of Agricultural Sciences and Veterinary Medicine Cluj-Napoca*, Horticulture, 72(1) (2015), pp. 51-60.

Corboz, A. "The Land as Palimpsest", in *Diogenes*, 31(121) (1983), pp. 12-34.

Corner, J. & J.M. Corner & A.S. MacLean. *Taking Measures across the American Landscape*, Yale University Press, 2000.

Chai-Elsholz, R. "Introduction: Palimpsests and 'Palimpsestuous' Reinscriptions", in *Palimpsests and the*

Literary Imagination of Medieval England, New York: Palgrave Macmillan, 2011, pp. 1-17.

Debord, G. *Comments on the Society of the Spectacle (Vol. 18)*, London: Verso, 1998.

Delgado, M. *Lo Común y lo Colectivo. El Espacio Público Como Espacio de y para la Comunicación*, Madrid: Medialab Prado, 2008, Disponible en <http://medialab-prado.es/mmedia/0/688/688.pdf>

De Quincey, Thomas. "The Palimpsest", in *Thomas De Quincey: Confessions of*

An English Opium Eater And Other Writings, ed. Grevel Lindop, Oxford: Oxford University Press, 1998.

Dillon, S. "Reinscribing De Quincey's Palimpsest: The Significance of the Palimpsest in Contemporary Literary and Cultural Studies", in *Textual Practice*, 19(3) (2005), pp. 243-263.

Dovey, K. & M. Ristic. "Mapping Urban Assemblages: the Production of Spatial Knowledge", in *Journal of Urbanism: International Research on pPlacemaking and Urban Sustainability*, 10(1) (2017), pp. 15-28.

Farahani, L.M. & M. Setayesh & L. Shokrollahi.

"Contextualizing Palimpsest of Collective Memory in an Urban Heritage Site: Case Study of Chahar Bagh, Shiraz-Iran", in *International Journal of Architectural Research: ArchNet-IJAR*, 9(1) (2015), pp. 218-231.

Fay, E. "Hallucinogenesis: Thomas De Quincey's Mind Trips", in *Studies in Romanticism*, 49(2) (2010), pp. 293-312.

Foucault, M. *Nietzsche, Genealogy, History*, 1978.

_____. *Power/ Knowledge: Selected Interviews and other Writings, 1972-1977*, 1980.

Freud, S. *Civilization and its Discontents*, ed. & transl. J. Strachey, WW Norton & Company, 1989.

Haapala, A. "The Urban Identity: the City as a Place to Dwell", in *Koht ja Paik/ Place and Location: Studies in Environmental Aesthetics and Semiotics III*, 2003, pp. 13-23.

Huyssen, A. *Present Pasts: Urban Palimpsests and the Politics of Memory*, Stanford University Press, 2003.

Koolhaas, R. & M. Wigley & J. Carver & J. Otero-Pailos. *De la source Preservation Is Overtaking Us*, distributeur GSAPP

Books, 2017.

Karababa, A. "An Urban Reading in-between Past and Future: Palimpsest Identity", in *A|Z ITU Journal of the Faculty of Architecture*, 10(1) (2013), pp. 51-64.

Khirfan, L. "Traces on the Palimpsest: Heritage and the Urban Forms of Athens and Alexandria", in *Cities*, 27(5) (2010), pp. 315-325.

Kroessler, J.A. *The City as Palimpsest*, 2015, CUNY Academic Works. Retrieved from: https://academicworks.cuny.edu/jj_pubs/42.

Ladd, B. *The Ghosts of Berlin: Confronting German History in the Urban Landscape*, University of Chicago Press, 2008.

Lauster, M. "Walter Benjamin's Myth of the 'Flâneur'", in *The Modern Language Review*, 2007, pp. 139-156.

Lee, R. "The Future Of The Past", in *Master of Architecture in the Program of Architecture*, Ryerson University, 2016.

Löffler, C. "Experiencing the City: Urban Space in Literature", in *Walking in the City*, JB Metzler, Wiesbaden, 2017, pp. 21-64.

Lowenthal, D. "Environmental Perception: Preserving the Past", in *Progress in Geography*, 3(4) (1979), pp. 549-559.

Lynch, K. *What time is this place?*, Mit Press, 1972.

Marshall, D.J. & L.A. Staeheli & D. Smaira & K. Kastrissianakis. "Narrating Palimpsestic Spaces", in *Environment and Planning A*, 49(5) (2017), pp. 1163-1180.

Millanes, J.M. *The City as Palimpsest*, CiberLetras, 2000.

Mitin, I. "Constructing Urban Cultural Landscapes & Living in the Palimpsests: a Case of Moscow City (Russia) Distant Residential Areas", in *Belgeo. Revue Belge de Géographie*, 4(4) (2018).

Norberg-Schulz, C. *Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture*, Historic Cities: Issues in Urban Conservation, 1979.

O'Donnell, P.M. "Urban Cultural Landscapes and the Spirit of Place.", in 16th ICOMOS General Assembly and International Symposium: 'Finding the spirit of place – between the tangible and the intangible', 2008.

Orwell, George. *Nineteen Eighty-four*, New York: Everyman's Library, 1992.

Overbye, K.M. & J.F. Barrett. "Antibiotics: Where Did We Go Wrong?", in *Drug Discovery Today*, 10(1) (2005), pp. 45-52.

Powell, K.A. "Re Mapping the City: Palimpsest, Place, and Identity in Art Education Research", in *Studies in Art Education*, 50(1) (2008), pp. 6-21.

Ring, P. "Re Use: Archaeology and Storytelling", in *Northumbria Working Paper Series: Interdisciplinary Studies in the Built and Virtual Environment*, 1(2) (2008), pp. 93-101.

Richardson, T. "Assembling the Assemblage: Developing Schizocartography in Support of an Urban Semiology", in *Humanities*, 6(3) (2017), p. 47.

Rains, A. & L.G. Henderson. *With Heritage so Rich*, Preservation Press, 1983.

Rossi, A. *The Architecture of the City*, Cambridge, MA: MIT press, 1982.

Shakespeare, W. *Coriolanus (Vol. 29)*, Cambridge University Press, 2010.

Silver, N. *Lost New York*, Houghton Mifflin Harcourt, 2000.

Tsakiri, E. "Visual Palimpsests: City Atmosphere in Cartography, City Planning and Painting", in *Studies in Visual Arts and Communication-an International Journal*, 4(1) (2017).

Tschumi, B. *Architecture and Disjunction*, MIT press, 1996.

Vatan, M. & E.E. Güney & B. Uluengin. "Unmasking the Urban Palimpsest Through Superimposition of Historic Maps: the Case of Istanbul's Aksaray District", in Cipa-icorp-lscarsah 2017 Joint Meeting Conference Proceeding, p. 97.

Verheij, R. *Palimpsest in Architecture Six Personal Observations*, Graduation Thesis, Delft University of Technology, 2015.

Wilde, O. *The Artist as Critic: Critical Writings of Oscar Wilde*, University of Chicago Press, 1982.

<https://www.memorystudiesassociation.org/cfp-recognition-reparation-reconciliation/>